

مراتب ادراک گردشگری میراث از منظر دیدگاه اتحاد عاقل و معقول ملاصدرا؛ موردکاوی مسجد کبود تبریز*

فرزانه صلاحی مهر^۱، پریسا هاشمپور^۲*

۱. دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران،
f.salahimehr@tabriziau.ac.ir ۰۹۱۴۷۳۶۵۱۲۶

۲. استاد معماری و شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده
مسئول). p.hashempour@tabriziau.ac.ir ۰۹۱۴۳۱۰۹۰۴۱

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان [تبیین مدل توسعه گردشگری پایدار مبتنی بر معماری گردشگری در منظر فرهنگی سیلوانا] است که با راهنمایی نویسنده دوم، در دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است.

مراتب ادراک گردشگری میراث از منظر دیدگاه اتحاد عاقل و معقول ملاصدرا؛ موردکاوی مسجد کبود تبریز*

چکیده

با وجود ارزش‌های فرهنگی معماری میراث، این میراث گردشگری سطوح پیچیده‌تری از ادراک را شامل می‌شود. ادراک فضای معماری توسط گردشگران متناظر است با پاسخگویی به نیازهای سطوح مختلف انسان که به‌عنوان بخشی از گردشگری فرهنگی، به دنبال بازشناسی روح فرهنگ و جهان‌بینی جامعه مقصد است که دیدگاه اتحاد عاقل و معقول مبنای نظری آن قرار می‌گیرد. بنابراین مسئله پژوهش، بررسی شکاف بین سطوح مختلف ظرفیت معماری اسلامی-ایرانی و میزان ادراک گردشگران میراث، براساس نظریه «اتحاد عقل، عاقل و معقول» ملاصدرا است. سوالات پژوهش بر این استوارند که ادراک فضای معماری از دیدگاه اتحاد عاقل و معقول ملاصدرا دارای چه مراتبی است و گردشگران میراث تا چه میزان به مراتب ادراک از دیدگاه اتحاد عاقل و معقول در مسجد کبود تبریز دست می‌یابند؟ روش پژوهش در بخش نظری به صورت مرور ادبیات سیستماتیک بوده و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است؛ به‌طوری‌که مراتب ادراک فضای معماری در سه مرتبه ادراک، خیالی و عقلی براساس مبانی دیدگاه اتحاد عاقل و معقول شامل حضوری بودن علم، اتحادی بودن ترکیب ماده و صورت، حرکت جوهری نفس، حدوث جسمانی نفس و بقای روحانی آن و کل‌القوی بودن نفس در قالب ماتریس تبیین می‌گردد. روش پژوهش در بخش میدانی، به صورت پیمایشی بوده و روش گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. براساس یافته‌های پژوهش، ادراک سلسله‌مراتبی در آثار معماری به ترتیب در مرتبه حسی، خیالی و عقلی تأیید می‌گردد که در مرتبه حسی، انعکاس ملموسی از عینیت بنا؛ در مرتبه خیالی، ساختار خیالی از ماهیت بنا و در مرتبه عقلی، آگاهی از مفاهیم نهفته در بنا است. ادراک فضای معماری در سطوح پایین‌تر بیشتر توسط گردشگران مسجد کبود تبریز صورت گرفته و در سطوح بالاتر ادراک کم‌تری را از طرف آنان داشته‌است. بر این اساس، لازم است تجربه‌ای چندلایه از میراث فرهنگی صورت گیرد تا در این مسیر، شکاف میان دیدن و درک کردن، کاهش یابد. چنین تجربه‌ای نه تنها میراث را به‌عنوان کالایی بصری، بلکه به‌مثابه پلی زنده برای ارتباط فرهنگی و خودشناسی گردشگر تثبیت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: مراتب ادراک، گردشگری میراث، اتحاد عاقل و معقول، ملاصدرا، مسجد کبود تبریز.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «تبیین مدل توسعه گردشگری پلدار مبتنی بر معماری گردشگری در منظر فرهنگی سیلوانا» است که باراهنمایی نویسنده دوم، در دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است.

۱. مقدمه

در دیدگاه حکمت متعالیه انسان کامل‌ترین تجلی الهی است. حضرت امیر(ع) در حدیث معروف خود انسان‌شناسی چهار لایه‌ای را بیان کرده‌اند که در آن نفس تحت‌عنوان مراتب رشدکننده گیاهی، حس‌کننده حیوانی، تدبیرگر قدسی و ملکه الهی (جنبه روحانی) با قوای پنجگانه و خواص دوگانه معرفی شده‌است. او می‌خواهد از پست‌ترین مراحل وجود تا بالاترین مرتبه را جایگاه خود بداند (نقره‌کار ۱۳۸۷). همانند سایر هنرها، فنون و تولیدات بشری، معماری نیز علاوه بر کالبد ظاهری خویش واجد جنبه‌ای اصیل، حقیقی و معنوی نیز هست که در پاسخ به نیازهای انسان از عمق مادی و معنوی (در هماهنگی با جنبه روحانی حیات وی) طراحی و ساخته شده‌است. به این ترتیب که یک بنا واحد کالبدی است که روح آن تجلی روح فرهنگ و جهان‌بینی جامعه است (نقی‌زاده ۱۳۸۱).

گردشگری میراثی، بخش مهمی از گردشگری فرهنگی است که بر تجربه مکان‌ها و فعالیت‌ها استوار بوده و به درستی، منابع تاریخی، فرهنگی و طبیعی محدوده معینی از یک منطقه را می‌نمایاند (عباس‌زاده و هم‌کاران ۱۳۹۴، ۷۹). با وجود ارزش‌های فرهنگی ذکر شده، معماری میراث در قیاس با سایر اشکال و محصولات گردشگری سطوح و ابعاد پیچیده‌تری از ادراک را شامل می‌شود. ادراک فضای معماری توسط گردشگران متناظر است با پاسخگویی به نیازهای سطوح مختلف انسان که به‌عنوان بخشی از گردشگری فرهنگی، به دنبال بازشناسی روح فرهنگ و جهان‌بینی جامعه مقصد است که دیدگاه اتحاد عقل، عاقل و معقول مبنای نظری آن قرار می‌گیرد. بنابراین مسئله این پژوهش، بررسی شکاف بین سطوح مختلف ظرفیت معماری اسلامی-ایرانی و میزان ادراک گردشگران میراث، براساس نظریه «اتحاد عقل، عاقل و معقول» ملاصدرا است.

اتحاد عاقل و معقول اصطلاحی در فلسفه است که به کیفیت ادراک مربوط می‌شود. ملاصدرا معتقد است در تشکیل شناخت، قوه شناخت و شخص ادراک‌کننده و موضوع ادراک‌شونده، سه چیز مستقل از یکدیگر نیستند. در هر عمل شناخت، وجودی پدید می‌آید که در همان حال که نوعی وجود شیء ادراک‌شونده است در ظرف ادراک، نوعی وجود برای نفس ادراک‌کننده هم هست. نفس ادراک‌کننده این وجود را، که فعل خویش است، به وسیله قوه فاعله ادراکی خویش آفریده‌است. این قوه ادراکی، در حقیقت، خود نفس در مرتبه فعل و تأثیر است (اراک ۱۳۹۱). عقل قوه‌ای نفسانی است و عاقل، همان نفس می‌باشد و به‌حکم بساطت نفس، عقل و عاقل یکی نیست و از آن سو، معقول و مدرک بالذات، صورت حاصل شده در نفس است که مجرد و غیر مادی می‌باشد و موجودات خارجی معلوم بالعرض هستند. در اینجا هم به‌حکم بساطت نفس، صورت معقوله و نفس یکی است. در نتیجه، اتحاد عقل و عاقل و معقول ثابت می‌شود. بنابراین، نفس آدمی و قوه عاقله و معقولاتش یک واحد تجزیه‌ناپذیر است (حسن‌زاده‌آملی ۱۳۸۵).

براساس نظریه «اتحاد عاقل و معقول» ملاصدرا، ادراک یک فرآیند منفعل و ماندن عکس برداری نیست. هنگامی که انسان چیزی را درک می‌کند، بین ذات او (عاقل)، قوه ادراکش (عقل) و صورت ادراک‌شده (معقول) اتحاد وجودی برقرار می‌شود. به عبارت ساده‌تر، آنچه آدمی درک می‌کند، جزئی از وجود وی می‌شود. بنابراین، کیفیت ادراک شخص از یک فضا، به سطح وجودی آن شخص بستگی دارد. سوالات پژوهش بر این استوارند که ادراک فضای معماری از دیدگاه اتحاد عاقل و معقول ملاصدرا دارای چه مراتبی است و گردشگران میراث تا چه میزان به مراتب ادراک از دیدگاه اتحاد عاقل و معقول در مسجد کبود تبریز دست می‌یابند؟ بر این اساس پژوهش با استفاده از مبنای دیدگاه اتحاد عقل و معقول، به تبیین مراتب ادراک فضای معماری و تحلیل این نوع از ادراک در معماری مسجد کبود تبریز براساس دیدگاه گردشگران و پژوهشگران پرداخته‌است.

۲. پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش حاضر را می‌توان در سه خوزه اصلی موضوعی دسته‌بندی کرد: خوشه اول، مطالعات فلسفی محض درباره نظریه اتحاد عاقل و معقول: این گروه از پژوهش‌ها، مانند تحقیقات Al Walid (2023)، سالاری و هم‌کاران (۱۳۹۶)، پیش‌بین و همکاران (۱۳۹۷) و حسینی‌امین و معین‌الدینی (۱۳۹۸)، به بحث‌های انتزاعی، تبیینی، انتقادی و

یا تحلیل آرای شارحان در مورد نظریه اتحاد عاقل و معقول اختصاص دارند. این مطالعات در سطح فلسفه محض قرار داشته و فاقد کاربرد در حوزه عملی مانند معماری و حوزه میان‌رشته‌ای مانند گردشگری هستند.

خوشه دوم، مطالعات معماری با رویکرد حکمت متعالیه: این خوشه به تطبیق آرای ملاصدرا بر فضاهای معماری ایرانی-اسلامی می‌پردازد. بنی‌اسدی باغمیرانی و هم‌کاران (۱۴۰۱) در پژوهشی در باره مسجد-مدرسه آقابزرگ کاشان، چگونگی هدایت ادراک ناظر از مراتب حسی به خیالی و سپس عقلی را به تجربه حرکات بصری، فیزیکی و ذهنی تحلیل کرده‌اند. به طور مشابه، شجاری و همکاران (۱۳۹۶) و شجاری و همکاران (۱۳۹۷) به تبیین مراتب ادراک فضای سیال و "حرکت تکاملی نفس آدمی" در مسجد جامع تبریز بر مبنای مفهوم حرکت جوهری پرداخته و همخوانی میان سیر استکمالی نفس و مراحل ادراک فضا را نشان داده‌اند. همچنین، Sahaf et al (2026)، Mehrafza (2023) et al، Motevali Haghighi et al (2023)، تقدیر (۱۴۰۰)، تقدیر (۱۳۹۸) و شجاری و طباطبایی لطفی (۱۳۹۵)، هر یک به جنبه‌هایی مانند محاکات، تعالی، فرآیند خلق اثر و خلاقیت در معماری با اتکا به اصولی چون اصالت و جود، تشکیک وجود و حرکت جوهری پرداخته‌اند. اگرچه این مطالعات از فلسفه ملاصدرا بهره برده‌اند، اما هسته مرکزی تحلیل آن‌ها کمتر به نظریه اتحاد عاقل و معقول به عنوان محور اصلی پژوهش پرداخته‌است.

خوشه سوم، مطالعات گردشگری میراث با رویکردهای جامعه‌شناختی: مطالعات این حوزه Gao et al (2021)، برداشت گردشگران چینی از میراث فرهنگی داخلی به طور کلی و مصرف یک مکان میراث فرهنگی مشهور چینی را از نظر انگیزه و رضایت در چهار نسل بررسی کردند. Xu et al (2022) بر اهمیت گرایش فرهنگی در ایجاد تجربیات تأکید می‌کنند و گردشگری میراث باید ترجیحات گردشگران را برای تجربه بهتر در نظر بگیرد. Lai et al (2021) با اتخاذ نظریه محرک-پاسخ در یک دیدگاه ادغام فرهنگی، بررسی می‌کنند که چگونه خاطرات فرهنگی، تماس فرهنگی و نگرش به فرهنگ گردشگران بر قصد بازدید مجدد آن‌ها تأثیر می‌گذارد. پژوهش صلاحی‌مهر و هاشم‌پور (۱۴۰۳)، با بهره‌گیری از نظریه بوردیو به تحلیل پدیده گردشگری می‌پردازد. این تحقیق به طور مشخص نقش سرمایه فرهنگی بازدیدکنندگان را بر ادراک زیباشناختی آنان از مسجد کبود تبریز بررسی کرده است که ادراک را عمدتاً از دیدگاه نظریات غربی تحلیل می‌کند.

بنابراین، پژوهشی که به طور خاص و مستقیم، نظریه «اتحاد عاقل و معقول» را به حوزه «گردشگری میراث» پیوند زده و آن را در مورد یک جاذبه شاخص (مسجد کبود) موردکاوی کند، در پیشینه موجود دیده نمی‌شود. این پژوهش بین دو قلمرو به ظاهر دور از هم فلسفه محض صدرایی و مطالعات گردشگری ارتباط ایجاد نموده و از این رهگذر، هم به غنای نظری مطالعات گردشگری می‌افزاید و هم ظرفیت‌های کاربردی حکمت متعالیه را بسط می‌دهد. گردشگر (عاقل)، موجودی منفعل و مصرف‌کننده صرف نیست، بلکه فاعلی شناسا است که وجودش در گرو ادراک و اتحاد با اثر است. میراث (معقول)، یک شیء بی‌جان و ثابت نیست، بلکه حقیقتی است که می‌تواند به صورت وجودی در جان گردشگر حاضر شود. این نگاه، تحولی در تعریف رابطه گردشگر-میراث ایجاد می‌کند.

۳. مبانی نظری

۳-۱. گردشگری میراث

گردشگری فرهنگی گونه‌ای از گردشگری است که به طور کلی یا جزئی به وسیله عرضه‌های هنری، میراثی یا تاریخی، تهییج و دارای انگیزه شده است. تمایزهای منطقه‌ای، منش نژادی و قومی، تاریخ و سیمای معاصر، تکه‌های به هم پیوسته از مکان‌ها، سنت‌ها و تجاربی هستند که نمایانگر یک کشور و مردم آن بوده و منعکس‌کننده تنوع و تجسمی از آن سرزمین می‌باشند (Edgell 2009, 106). گردشگری میراثی، بخش مهمی از گردشگری فرهنگی است که بر تجربه مکان‌ها و فعالیت‌ها استوار بوده و به درستی، منابع تاریخی، فرهنگی و طبیعی محدوده معینی از یک منطقه را

می‌نمایند و فرصتی برای احساس، تجربه و فهم سنن واحد حوزه خاص میراثی برای لذت و کاوش در تاریخ مردم یا کشور را فراهم می‌آورد. (Khumalo et al 2014, 2-3) به طور کلی، بازدید از آثار فرهنگی و تاریخی، که از فراگیرترین بخش‌های صنعت گردشگری محسوب می‌شود، به «گردشگری میراث» شهرت دارد که معمولاً به عنا صر زنده و مصنوع فرهنگ متکی است و از گذشته ملموس و ناملموس به عنوان منبعی برای گردشگری بهره می‌گیرد (زال و اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۳۲).

۲-۳. فرایند خلق و ادراک آثار معماری در حکمت متعالیه

ملا صدرا تقسیم چهار تایی ادراک توسط فلاسفه دیگر (حسی، تخیلی، عقلی و وهمی) را در یک دسته‌بندی سه‌تایی (حسی، خیالی، عقلی) تأیید می‌کند و اشاره به تطابق قوای ادراکی سه‌گانه درونی انسان با عوالم سه‌گانه وجودی می‌کند (عوالم حس، مثال و معقولات) (صدرالدین شیرازی ۱۳۸۲ق، ۲۴۳).

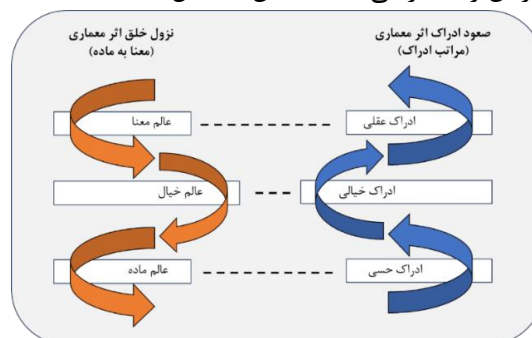
الف) ادراک حسی: در مرحله اول انعکاسی از واقعیت خارجی به واسطه حواس پنجگانه صورت می‌گیرد. در مرحله دوم، نفس از این تصاویر و کدها کسب علم می‌کند. در مرحله سوم، نفس دست به خلاقیت زده و ماهیت شیء را برای خود بازسازی می‌کند و آن را جایگزین ماهیت شیء خارجی می‌کند (ارشدریاحی و واسعی ۱۳۹۰، ۱۳).

ب) ادراک خیالی: ادراک صور خیالی از سوی نفس به اعتبار این مرتبه انجام می‌پذیرد. خیال یکی از ادراکات درونی است و حواس باطنی زمینه این درک را فراهم می‌کند (تقدیر ۱۳۹۸، ۶۸).

ج) ادراک عقلی: برترین مرتبه از ادراک، ادراک عقلی است و با ادراک شهودی و اشراقی مطابقت دارد؛ از منظر ملاصدرا، ادراک عقلی عبارت است از دریافت مفاهیم کلی و مجرد از ماده (مومنی ۱۳۹۱، ۲۲).

میان ادراکات حسی و خیالی و عقلی رابطه خطی و اتصالی و یک نوع وابستگی وجود دارد. نفس با حرکت جوهری خود، از کمالات حسی انتقال کرده و پس از طی کمالات خیالی، به مرتبه ادراک حقایق عقلی راه می‌یابد (کاوندی ۱۳۸۴، ۹۵). براساس دیدگاه حکمت متعالیه می‌توان گفت تناظری میان مراتب وجودی انسان و هستی با یکدیگر وجود دارد؛ و هر عالم یا مرتبه‌ای از وجود به واسطه نوع ادراکی که به آن تعلق دارد؛ شناخته می‌شود و سه مرتبه اصلی ادراک (ادراک حسی، خیالی و عقلی)، دقیقاً بر سه عالمی که مراتب وجود خارجی هستند (عوالم محسوس، مثال و عقول) منطبق می‌باشد؛ و وجود این ظرفیت است که به انسان این توان را می‌بخشد که با تصور عوالم برتر هستی در درون خود به بازآفرینی آن‌ها در بستر هنر و معماری بپردازد (تقدیر ۱۴۰۰، ۱۵۴).

انسان در خلق آثار خود، یک سیر نزول از معنا به ماده را طی می‌کند و نفس انسان معنایی را که متناسب با مرتبه وجودی خویش است؛ ابتدا به تعقل، و سپس نزول به تخیل می‌آورد؛ یعنی از قوه تخیل معانی کلی را به اشکال جزئی تمثیل می‌دهد. ادامه این تجلیات پی‌درپی در مرتبه مادی نفس، یعنی بدن نمود پیدا می‌کند؛ و در نهایت همان معنا را به شکل آفریده‌ای محسوس در عالم ماده حاضر می‌سازد. ادراکات مخاطب نیز در یک سیر صعودی شکل می‌گیرد که در آن فعلیات نفس که در قوای جسمانی او ظهور می‌یابند؛ مانند ادراکات حواس پنج‌گانه، یا اعمال اعضا و جوارح، خود بازتابی در نفس پیدا کرده و جوهر آن را تغییر می‌دهند (همان). (شکل ۱)



شکل ۱. فرایند خلق و ادراک آثار معماری در حکمت متعالیه؛ (ماخذ: جمع‌بندی نگارندگان از منابع متن)

۳-۳. مبانی اتحاد عاقل و معقول

برهان ملاصدرا در اتحاد عاقل و معقول با این مقدمات آغاز می‌شود: مطلب اول این که صورت اشیاء به دو قسم تقسیم می‌شود؛ صورت مادی و صورت مجرد. صورت مادی صورتی است که قوام وجودش به ماده، وضع و مکان و دیگر امور مادی باشد. صورت مجرد، صورتی است که مجرد از ماده، وضع و مکان باشد که اگر این تجرید از ماده به نحو تمام باشد صورت معقول بالفعل است و اگر این تجرید به نحو ناقص باشد، صورت متخیل یا محسوس بالفعل است (صدرالدین شیرازی ۱۳۷۵، ۷۰).

مطلب دوم این که وجود نفسی صورت معقول بالفعل، با وجود آن برای عاقل یکی است. ملاصدرا در اثبات اتحاد عاقل و معقول از طریق برهان خلف می‌گوید اگر وجود فی نفسه صورت معقول، غیر از وجود آن برای عاقل باشد، به طوری که دو وجود متغایر از هم داشته باشیم، در این صورت هویت هر یک از آن‌ها غیر از هویت دیگری است و ارتباط میان آن‌ها هم مانند حال و محل خواهد بود (همان ۱۴۱۰ق، ۳۱۴-۳۱۵).

مطلب سوم ملاصدرا این است که متضایفان متکافئان در وجود و درجه وجودی مطلب می‌باشند. به این معنا که اگر یکی از آن‌ها بالفعل باشد، دیگری نیز بالفعل بوده و اگر یکی بالقوه باشد، دیگری نیز بالقوه خواهد بود ضمن این که اگر یکی از آن‌ها در مرتبه‌ای از مراتب باشد دیگری هم در همان مرتبه تحقق خواهد داشت (همان ۱۴۱۰ق، ۳۱۵-۳۱۶). باید توجه داشت که پذیرش نظریه اتحاد، مبتنی بر پذیرش تعدادی از مسائل فلسفه صدرایی است که در پژوهش‌های مختلف بدان اشاره شده است. (جدول ۱)

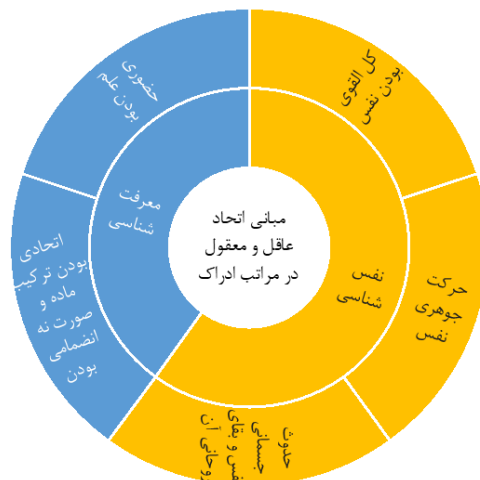
جدول ۱. مبانی اتحاد عاقل و معقول از دیدگاه پژوهشگران؛ (ماخذ: نگارندگان)

پژوهشگران	مبانی اتحاد	ابعاد
علیزاده، ۱۳۸۱	اصالت وجود، تشکیک در حقیقت وجود، اشتداد حقیقت وجود، تقسیم حقیقت وجود به رابط و نفسی، اتحادی بودن رابطه علت و معلول	هستی‌شناختی
	ملاک علم حضور و ملاک حضور تجرد، اتحادی بودن ترکیب ماده و صورت	معرفت‌شناسی
	حرکت جوهری نفس، حدوث جسمانی نفس و بقای روحانی آن، یگانگی نفس با قوای آن، قیام صدوری صورت‌های علمی به نفس	نفس‌شناسی
آشتیانی، ۱۳۶۷	اصالت وجود، تشکیک در حقیقت وجود، تقسیم وجود به رابط و مستقل، اتحادی بودن رابطه علت و معلول، جواز انتزاع مفاهیم متعدد از مصداق واحد، سلوک اشیاء به مبادی خود، واحد شخصی بودن هیولی	هستی‌شناختی
	ملاک علم حضور است و ملاک حضور تجرد، علم مطلقاً حضوری است، از سنخ وجود و نور بودن علم، اتحادی بودن ترکیب ماده و صورت، علاوه بر حدوث ذاتی برای عالم جسم و جسمانی حدوث زمانی نیز قائل بودن	معرفت‌شناسی
	اشتداد و استکمال نفس، حرکت جوهری نفس، حدوث جسمانی و بقاء روحانی نفس، قیام صدوری صورت‌های علمی به نفس، وحدت نفس با قوای آن، فعال بودن نفس نسبت به معلومات خود، حرکت در جوهر را واسطه ربط حادث به قدیم دانستن، اعتقاد به تجرد برزخی خیال و تجرد عقلانی نفس	نفس‌شناسی
پیش‌بین و همکاران، ۱۳۹۷	اصالت وجود، تشکیک حقیقت وجود، تقسیم حقیقت وجود به رابط و مستقل	هستی‌شناختی
	فرامولی بودن علم، حضوری بودن علوم، اتحادی بودن رابطه نفس با عقل فعال	معرفت‌شناسی
	حدوث جسمانی نفس و بقای روحانی آن، تشکیک مراتب وجودی نفس، حرکت جوهری اشتدادی نفس، کل‌القوی بودن	نفس‌شناسی

برای اثبات و تبیین این نظریه باید به مجموعه‌ای از مبانی «هستی‌شناختی» همچون اصالت وجود، تشکیک در حقیقت وجود، تقسیم حقیقت وجود به وجود رابط و مستقل و اتحادی بودن رابطه علت و معلول، مبانی «معرفت‌شناسی» چون حضوری بودن علوم و اتحادی بودن ترکیب ماده و صورت و مبانی «نفس‌شناسی» مثل حدوث جسمانی نفس و بقای

روحانی آن، حرکت جوهری نفس و کل القوی بودن نفس پایبند بود (پیش‌بین و همکاران ۱۳۹۷، ۱۳۱) که جمع‌بندی دیدگاه‌های مطرح شده در جدول ۱ است.

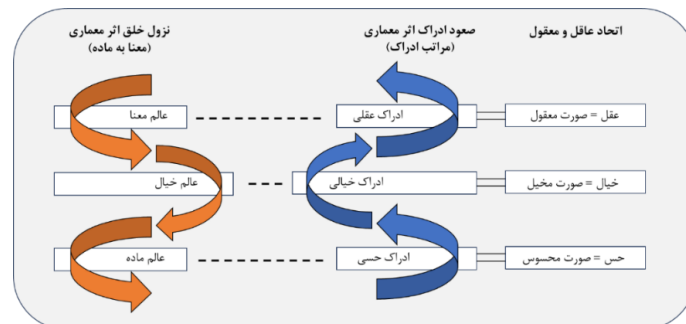
با تأکید بر تعاریف سه‌گانه نفس‌شناسی، معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی در فلسفه، پژوهش حاضر با هدف واکاوی مراتب ادراک گردشگران، چارچوب نظری خود را بر دو محور «نفس‌شناسی» و «معرفت‌شناسی» استوار می‌سازد. توجیه این‌گزینش آن است که نفس‌شناسی به مطالعه کنشگر درونی (نفس گرد شگر) می‌پردازد و معرفت‌شناسی، فرایند ارتباط این نفس با پدیده‌های پیرامون و چگونگی شکل‌گیری آگاهی را روشن می‌کند. در مقابل، هستی‌شناسی که معطوف به ماهیت عینی جهان خارج و مستقل از ادراک انسانی است، در این پژوهش که بر دریافت ذهنی و سیال گردشگر از تجربه خود متمرکز است، نقشی عملیاتی ندارد و بنابراین از کانون تحلیل خارج می‌شود. (شکل ۲)



شکل ۲. مبانی اتحاد عاقل و معقول در مراتب ادراک؛ (ماخذ: جمع‌بندی نگارندگان از جدول ۱)

۳-۴. مراتب ادراک معماری در دیدگاه اتحاد عاقل و معقول

آنچه به‌عنوان نظریه اتحاد عاقل و معقول در کتب فلسفی قبل از صدرا منعکس شده، تنها بخشی از نظریه صدرا در این رابطه است. این مسئله تا قبل از صدرا منحصر در ادراک عقلی بود اما صدرا آن را به همه ادراکات انسانی تعمیم می‌دهد؛ در فلسفه صدرا فقط عاقل با صورت معقول متحد نیست بلکه حس نیز با صورت محسوس و خیال نیز با صورت خیالی متحد هستند. براساس نظر صدرا نفس با پذیرش هر صورت ادراکی در هر مرتبه از مراتب ادراک، عین آن صورت می‌شود و به آن صورت مستکمل می‌گردد (سالاری و همکاران ۱۳۹۶، ۵۹). (شکل ۳)



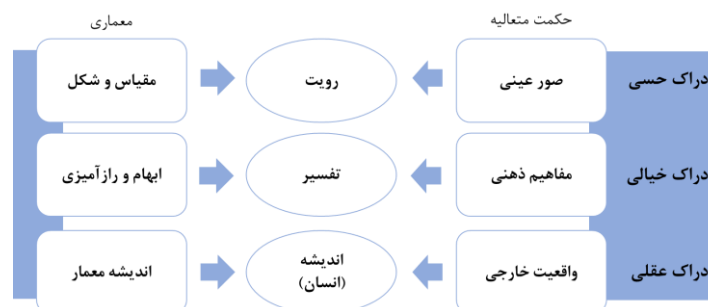
شکل ۳. دیدگاه اتحاد عاقل و معقول در فرایند خلق و ادراک آثار معماری؛ (ماخذ: جمع‌بندی نگارندگان از منابع متن)

با توجه به ماهیت پژوهش که به ارزیابی مراتب ادراک از دیدگاه گرد شگران می پردازد، مبنای معرفت‌شنا سانه و نفس‌شناسانه در دیدگاه اتحاد عاقل و معقول در اولویت پژوهش قرار می‌گیرد. ملاصدرا براساس نظریه «اتحاد عاقل و عاقل و معقول» معتقد است در معرفت، قوه ادراک‌کننده و شیء ادراک‌شونده مستقل از یکدیگر نیستند و نمی‌توانند باشند. در هر عمل ادراکی، وجودی پدید می‌آید که فعل نفس است. این وجود در همان حال که نوعی وجود شیء ادراک‌شونده است نوعی وجود برای نفس ادراک‌کننده است. این قوه ادراکی در حقیقت چیزی جز خود نفس در مرتبه فعل و تأثیر نیست (صدرالدین شیرازی ۱۴۱۰ق، ۳۱۲). بنابراین می‌توان مبنای اتحاد عاقل و معقول را در سه مرتبه ادراکی و دو بخش تجربه و فضای ادراکی تبیین نمود. (جدول ۲)

۳-۴-۱. مراتب معرفت‌شناسانه ادراک معماری در دیدگاه اتحاد عاقل و معقول

حضور بودن علم: در علم حضوری میان عالم و معلوم واسطه‌ای مانند مفاهیم ذهنی وجود ندارد و ذات معلوم نزد عالم حضور دارد. اهمیت علم حضوری خطاناپذیری آن است؛ زیرا در علوم و یافته‌های حضوری، خود واقعیت عینی متعلق شهود قرار می‌گیرد و هیچ فاصله‌ای میان عاقل و معقول قرار ندارد. برخلاف علم حصولی که «صورت‌ها» و «مفاهیم ذهنی» نقش وساطت را در شناخت واقعیت خارجی ایفا می‌کنند و خطای در ادراک را ایجاد می‌کند، زیرا ممکن است میان صورت ذهنی و واقعیت خارجی مطابقت یا عدم مطابقت باشد، آنجا که واسطه‌ای در کار نباشد و خود «واقعیت خارجی» نزد عالم حضور یابد، خطا به معنای اعتقاد غیر مطابق با واقع معنا ندارد (باقرزاده مشکینی باف و عابدی ۱۴۰۱، ۱۳۳-۱۳۴).

بنابراین تجربه ادراکی، از ادراک حسی تا ادراک عقلی به ترتیب شامل رویت، تفسیر و اندیشه است. در عرصه معماری، تجربه ادراکی صور عینی، مربوط به **رویت** «مقیاس و شکل» است. تجربه ادراکی مفاهیم ذهنی مربوط به **تفسیر** «ابهام و رازآمیزی» فضا است. به دلیل راز و ابهام موجود در آثار هنری و کلام شاعران، آن‌ها همیشه نیازمند **تأویل و تفسیر** توسط گروهی از اهل فن بوده‌اند و این یکی از جنبه‌های جالب توجه هنر است (برزنجی و همکاران ۱۴۰۱، ۷). در نهایت تجربه ادراکی واقعیت خارجی مربوط به «اندیشه معمار» است. پس از دوره خردباوری در نظر بسیاری تنها مشخصه معرفت **انسان/اندیشه** است. اندیشه سهمی در علت‌های چهارگانه ارسطویی دارد و اگر بپذیریم معمار همان اندیشه معماری است، علت فاعلی ساختمان اندیشه معمار خواهد بود (ایمانی و صبوری ۱۳۹۲، ۸۱). (شکل ۴)



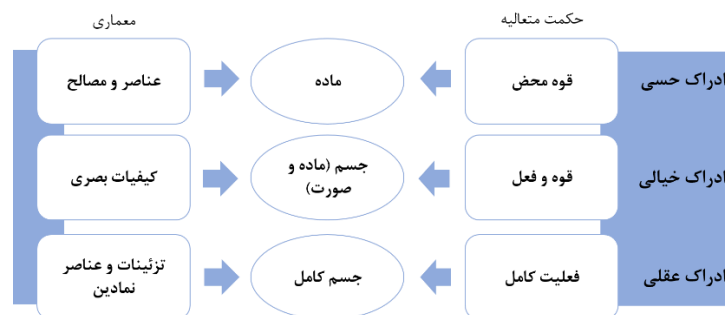
شکل ۴. مراتب ادراک براساس حضوری بودن علم از منظر حکمت عالی و معماری؛ (ماخذ: جمع‌بندی نگارندگان از منابع متن)

اتحادی بودن ترکیب ماده و صورت: ملاصدرا و پیروان حکمت او قائل به اتحادی بودن ترکیب ماده و صورت هستند. ترکیب اتحادی آن است که بین دو جزء مفروض، هیچ‌گونه تغایر عینی و دوگانگی خارجی وجود نداشته باشد. از این رو تقارن آنها لزوماً ذهنی و تحلیلی خواهد بود. اگر ترکیب اتحادی در اثر تغییر به وجود آید، فرآیند تغییر به این صورت خواهد بود که شیء در ذات و هویت خود متبدل به شیء دیگر بشود؛ یعنی شیء اول، شیء دوم بشود نه این که شیء

دوم منضم به شیء اول گردد. «وجود مساوق با فعلیت است»، «هیولا قوه محض است» جمع این دو جمله که هر دو مورد قبول و تأکید صدرالمتهلین است (علیزاده ۱۳۸۱، ۱۳۱-۱۳۲).

بنابراین تجربه ادراکی، از ادراک حسی تا ادراک عقلی به ترتیب شامل ماده، صورت و جسم است. در عرصه معماری، تجربه ادراکی قوه محض، مربوط به ماده یعنی «عناصر و مصالح» بنا است. تجربه ادراکی قوه و فعل، مربوط به جسم یعنی «کیفیات بصری» در بناست. کیفیت بصری محیط به جنبه‌های زیبایی‌شناختی و ادراکی فضا اشاره دارد (Qi et al., 2021). همان‌طور که ماهان‌فر و همکاران (۱۴۰۲) اشاره می‌کنند، بعد کیفی زیبایی‌شناختی در معماری، شامل عواملی چون ترکیبات هندسی، تقارن، ریتم، نظم، پیچیدگی و ... در کلیت حجم و نمای بناست.

در نهایت تجربه ادراکی فعلیت کامل، مربوط به **جسم کامل** یعنی «تزئینات و عناصر نهادین» است که از ترکیب عناصر موجود با چگونگی کاربست آن در معماری به وجود می‌آید. به طور طبیعی و منطقی انتظار می‌رود مفاهیم مهم و کانونی گفتمان تشیع، در صورت، شکل و ظاهر، محتوا و معنی و مفهوم و روش‌بینی و چگونگی کاربست عناصر تجسمی مانند خط، شکل و رنگ و ... و شگردهای بصری، در نشانه‌ها و نمادها به کار رفته و خود را نشان دهد و به ظهور رسیده باشد (عریانی‌نژاد و همکاران ۱۴۰۰، ۶۶ و ۷۹). (شکل ۵)



شکل ۵. مراتب ادراک براساس اتحادی بودن ترکیب ماده و صورت از منظر حکمت عالییه و معماری؛ (ماخذ: جمع‌بندی نگارندگان از منابع متن)

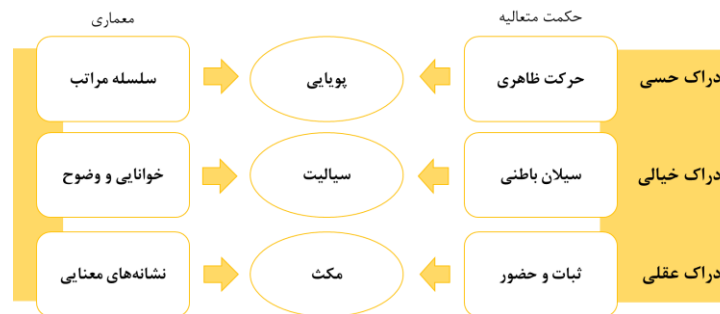
۳-۴-۲. مراتب نفس‌شناسانه ادراک معماری در دیدگاه اتحاد عاقل و معقول

حرکت جوهری نفس: ملاصدرا با تکیه بر رابطه وجودی میان اعراض و جوهر که براساس آن اعراض معلول و از مراتب و شئون جوهرند، حرکت در اعراض را ناشی از حرکت در جوهر و تحولات ظاهری طبیعت را دلیل بی‌قراری باطن آن دانست. هستی را مقسم حرکت قرار داد و وجود را از ریشه به دو قسم تقسیم کرد: ثابت و سیال. موجودات سیال بودنشان عین «حرکت» و «سیلان» است. موجودات ثابت نیز وجودشان با ثباتشان یکی است و بودنشان عین «ثبات» و «حضور» است. تقسیم موجودات به مادی و مجرد منطبق بر تقسیم آن‌ها به متحرک و ثابت، شدن و بودن است (صدرالدین شیرازی ۱۳۸۳، ۱۴۰).

ملاصدرا نفس ادراک‌کننده را دائماً در یک حرکت و سیلان پایدار متصور شده که به واسطه حرکت به کمالات خود می‌افزاید و این نو شدن دائمی را در کل شئون هستی جاری می‌داند. هنر معماری اسلامی وظیفه اصلی خود را ایجاد ارتباط میان جهان مادی و عالم معنا قرار داده، یعنی حرکت از ماده به معنی و عناصر کالبدی این هنر سعی در ایجاد یک فضای معنوی خاص در ناظر را داشته که زمینه برای کشف و شهود درونی برایش فراهم شود. ملاصدرا به واسطه حرکت جوهری اشاره به حرکت وجود مادی انسان به سمت وجود روحانی داشته و آن را از نوع استکمالی و اشتدادی خوانده که هر لحظه بر شدت و کمالات وی در راه رسیدن به وجود روحانی افزوده می‌شود.

بنابراین تجربه ادراکی، از ادراک حسی تا ادراک عقلی به ترتیب شامل سه خاصیت فضایی پویایی، سیالیت و مکث است که باعث ایجاد سه نوع حرکت (فیزیکی، بصری و ذهنی) در ناظر ادراک‌کننده فضا می‌شود. خاصیت فضایی **پویایی** شامل «هندسه، محور و توالی (سلسله‌مراتب)» است (شجاری و همکاران ۱۳۹۷، ۱۶۷). **سیالیت** دربردارنده «خوانایی

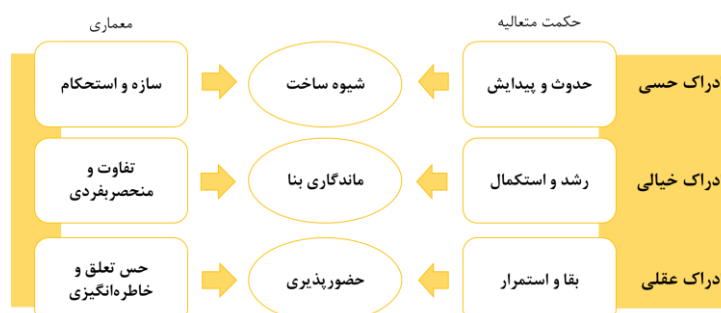
و وضوح» است. فضایی که سیال است می‌تواند حرکت کند، تداوم یابد و پیوستگی فضایی و خوانایی را به بیننده القا کند (کیانی و همکاران ۱۳۹۴، ۵۳). مکث نیز حرکت در ذهن را منجر می‌شود که در قالب «نشانه‌های معنایی» مختصر می‌شود. مولد حرکت ذهنی بودن این فضا، ارزش صد چندان به فضای مساجد ایرانی به لحاظ تجربه ادراکی می‌دهد. فضا با پذیرش خصوصیات معنایی، درک بهتری از ماده شکل‌دهنده فضا و سایر متغیرهای دخیل در آن را در پیش روی ناظر قرار می‌دهد (شجاری و همکاران ۱۳۹۶، ۸۳). (شکل ۶)



شکل ۶. مراتب ادراک براساس حرکت جوهری نفس از منظر حکمت عالی و معماری؛ (ماخذ: جمع‌بندی نگارندگان از منابع متن)

حدوث جسمانی نفس و بقای روحانی آن: نفس در «حدوث و پیدایش» خود مادی و جسمانی و در «بقا و استمرار» خود، روحانی است. شروع وجود انسان با جسم و بدن است. بدن در اثر حرکت جوهری «استکمالی» حدوث و زوال مستمر هر لحظه صورتی کامل‌تر یافته و کمال بر کمال می‌افزاید و در این مسیر به مرحله‌ای می‌رسد که کمال بعدی آن دیگر جسمانی و مادی نیست بلکه روحانی و معنوی است (مطهری ۱۳۶۹، ۱۱۷-۱۱۸). وجود انسان و وجود واحد دومراتب است؛ پایین‌ترین مرتبه آن، جسم و بالاترین مرتبه آن، روح مجرد است. صدرا نظریه خودش را در باب حدوث و بقای نفس در قالب قاعده «النفس جسمانیة الحدوث روحانیة البقاء» عرضه کرد (علیزاده ۱۳۸۱، ۱۳۸). بنابراین تجربه ادراکی، از ادراک حسی تا ادراک عقلی به ترتیب شامل سه خاصیت فضایی شیوه ساخت، ماندگاری بنا و حضورپذیری است. در عرصه معماری، ادراکات حسی، مربوط به حدوث و پیدایش مادی آن است که به **شیوه ساخت** «سازه و استحکام» می‌انجامد. در ادراکات خیالی، «تفاوت و منحصربفردی» اثر معماری منجر به **ماندگاری بنا** در ذهن کاربر می‌گردد. رویکردهای کلی در حوزه ماندگاری و جاودانگی به وجود ایده خاص و منحصربفرد براساس نظر خواص و جامعه آکادمیک مرتبط است (حاتمی‌گلزاری و همکاران ۱۳۹۸، ۲۰۴).

اگرچه کالبد بسیاری از آثار ماندگار معماری، همچنان وجود دارد اما از آن جا که حیات ندارند و برای مردم فرهنگ‌سازی و حیات بخشی نمی‌کنند، جاودانگی نداشته و در عین ماندگاری مرده‌اند (افشاری و همکاران ۱۴۰۴، ۱۵۵). چیزی که معماری ایران را تا به امروز زنده نگه داشته است و از آن حفاظت کرده‌است، امکان **حضورپذیری** آن بوده که به تداوم کارکرد ساختمان و نقش موثر و فعال و زنده آن به واسطه ایجاد انعطاف‌پذیری، «حس تعلق و خاطره‌انگیزی» منتهی شده‌است (Harris et al, 2023; Aygenç et al, 2020) (شکل ۷)

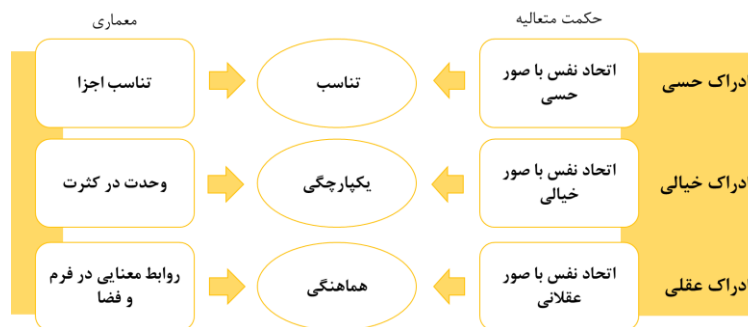


شکل ۷. مراتب ادراک براساس حدوث جسمانی نفس از منظر حکمت عالی و معماری؛ (ماخذ: جمع‌بندی نگارندگان از منابع متن)

کل القوی بودن نفس (یگانگی نفس با قوای آن): صدرا در مورد نفس و قوای آن تصویر بدیعی ارائه می‌دهد که مطابق آن قوای نفس جدا از نفس نیستند بلکه از مراتب و شؤون آنند. نفس هم چون ذات واحد است که دارای جنبه‌ها و شاخه‌های متعدد است (مطهری ۱۳۶۰، ۸۶). پیروان حکمت متعالیه این مطلب را با قاعده‌ای تحت عنوان «لنفس فی وحدتها کل القوی» بیان کرده‌اند. نفس انسانی از ابتدای امر یک جوهر کامل و تام‌التحصل نیست، بلکه همواره یک سیر استکمالی را طی می‌کند. اکتساب کمالات توسط نفس موهون «اتحاد نفس با صور ادراکی» است. نفس در مرتبه حس به منزله ماده به صور حسی و در مرتبه خیال، به منزله ماده نسبت به صور خیالی و در مرتبه عقل به منزله ماده نسبت به صور عقلانی است (علیزاده ۱۳۸۱، ۱۴۰-۱۴۱).

بنابراین تجربه ادراکی، از ادراک حسی تا ادراک عقلی به ترتیب شامل سه خاصیت فضایی تناسب، یکپارچگی و هماهنگی است. در عرصه معماری، ادراکات حسی، اتحاد صور حسی در قالب **تناسب** است که به فضای ادراکی «تناسبات اجزا» مربوط است. ادراکات خیالی آن، اتحاد صور خیالی در قالب **یکپارچگی** است که مربوط به «وحدت در کثرت» متجلی در اثر معماری است. وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن انعکاس می‌یابد. ترجمه این اصل در کالبد و فضای معماری ارائه شده است: اصل محوربندی فضایی، اصل مرکزگرایی، اصل رده‌بندی یا سلسله‌مراتب، اصل استقلال فضاها در عین وحدت آن‌ها، اصل سامان‌بندی حرکت در درون فضا، اصل تقدم درونگرایی بر برونگرایی، اصل سیر از هندسه آفاقی به هندسه انفسی (بلالی اسکویی و همکاران ۱۴۰۲، ۱۰۶).

در نهایت ادراکات عقلی، اتحاد صور عقلی در قالب **هماهنگی** است که به فضای ادراکی «روابط معنایی در فرم و فضا» مرتبط است. هماهنگی به عنوان یکی از ملاک‌های زیبایی از منظر فلسفه اسلامی بر کیفیت فضای داخلی تاثیر داشته است (کریم‌زاده حلیمی و چناقلو ۱۳۹۶، ۱). فضا از رابطه میان فرم‌ها به وجود می‌آید. فرم‌ها و رابطه میان آن‌ها، سازنده فضا هستند (امری ۱۳۹۳، ۳۳). معماری به مثابه اثر هنری، واقعیت‌ها یا ارزش‌های برتری را متعین می‌سازد. معماری بیانی بصری از ایده‌ها به دست می‌دهد، ایده‌هایی که چیزی را برای بشر معنادار می‌کنند، چرا که به واقعیت سامان می‌بخشند (شولتز ۱۳۹۳، ۴۹). (شکل ۸)



شکل ۸. مراتب ادراک براساس کل القوی بودن نفس از منظر حکمت عالی و معماری؛ (ماخذ: جمع‌بندی نگارندگان از منابع متن)

در ادامه به ترکیب ابعاد مفهوم مبانی اتحاد عاقل و معقول و مفهوم مراتب ادراک فضای معماری در دو بخش تجربه ادراکی و فضای ادراکی مطابق جدول ۲ و در قالب ماتریس پرداخته می‌شود.

جدول ۲: دیدگاه اتحاد عاقل و معقول در فرایند خلق و ادراک آثار معماری در حکمت متعالیه؛ (ماخذ: نگارندگان)

	ادراک حسی		ادراک خیالی		ادراک عقلی	
	تجربه ادراکی	فضای ادراکی	تجربه ادراکی	فضای ادراکی	تجربه ادراکی	فضای ادراکی
اتحادی بودن ترکیب ماده و صورت	قوه محض	عناصر و مصالح	قوه و فعل	کیفیات بصری	فعلیت کامل	تزئینات و عناصر نمادین

	حضورى بودن علم	صور عینى	شکل و مقیاس	مفاهیم ذهنی	ابهام و رازآمیزی	واقعیت خارجی	اندیشه معمار
نفس شناسی	حدوث جسمانی و بقای روحانی	حدوث و پیدایش	سازه و استحکام	رشد و استكمال	تفاوت و منحصر بفردی	بقا و استمرار	حسن تعلق و خاطره انگیزی
	کل القوی بودن	اتحاد نفس با صور حسی	تناسب اجزا	اتحاد نفس با صور خیالی	وحدت در کثرت	اتحاد نفس با صور عقلانی	روابط معنایی در فرم و فضا
	حرکت جوهری	حرکت ظاهری	سلسله مراتب	سیلان باطنی	خوانایی و وضوح	ثبات و حضور	نشانه های معنایی

۴. روش تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی-کمی و از نظر هدف کاربردی است. ماهیت و روش پژوهش در بخش نظری به صورت مرور ادبیات سیستماتیک بوده و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. به‌طوری‌که مراتب ادراک فضای معمارى در سه مرتبه ادراک حسی، ادراک خیالی و ادراک عقلی براساس مبانی دیدگاه اتحاد عاقل و معقول شامل حضورى بودن علم، اتحادى بودن ترکیب ماده و صورت، حرکت جوهری نفس، حدوث جسمانی نفس و بقای روحانی آن و کل القوی بودن نفس در قالب ماتریس تبیین می‌گردد. ماهیت و روش پژوهش در بخش میدانی، به صورت پیمایشی بوده و روش گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. نمونه مطالعاتی پژوهش مسجد کبود تبریز است. (شکل ۹)



شکل ۹. تصاویر مسجد کبود تبریز (ماخذ: نگارندگان)

به‌منظور دست یافتن به مراتب ادراک در معماری مسجد کبود، براساس شاخص‌های بخش نظری، مطابق با جدول ۲، ۱۵ گویه به دست آمد که با بهره‌گیری از طیف لیکرت و با تهیه پرسش‌نامه از گردشگران موردبررسی قرار گرفته و درنهایت با تحلیل توصیفی پژوهشگران تکمیل شده‌است. جامعه آماری پرسش‌نامه‌ها، تمامی گردشگران داخلی مسجد کبود در بازه زمانی خرداد ماه ۱۴۰۵ بوده‌است. برای برآورد دقیق اندازه اثر، اندازه اثر متوسط ($Cohen's f = 0.25$) بر اساس معیارهای کوهن (Cohen 1988) در نظر گرفته شد. سطح معنی‌داری ۰.۰۵ و توان آماری ۰.۹۵ (معادل ۹۵ درصد) به عنوان مقادیر استاندارد انتخاب گردیدند. بر این اساس، حداقل حجم نمونه موردنیاز ۵۴ نفر برآورد شد که نهایتاً ۶۰ پرسشنامه توزیع و جمع‌آوری گردید.

روش نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده بوده است. روایی پرسشنامه با استفاده از روایی محتوا تأمین گردید. گویه‌ها بر اساس ادبیات تحقیق استخراج و توسط ۵ نفر از متخصصان حوزه معماری و شهرسازی تأیید شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت و برای کل پرسشنامه (۰.۸۶۱) به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی خوب ابزار پژوهش است. برای تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها، از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آمار استنباطی شامل آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر (Repeated Measures ANOVA)، آزمون کرویت ماچلی و مقایسه‌های زوجی در نرم‌افزار SPSS استفاده شده‌است. برای بررسی ساختار سلسله‌مراتبی سطوح ادراکی، از مقیاس گاتمن استفاده شد و ضریب بازتولیدپذیری (CR) محاسبه گردید.

۵. یافته‌ها و بحث

در این بخش بر مبنای مبانی نظری پژوهش به تحلیل مراتب ادراک مسجد کبود از دیدگاه گرد شگران و پژوهشگران پرداخته می‌شود.

۵-۱. تحلیل مراتب ادراک مسجد کبود تبریز از دیدگاه اتحاد عاقل و معقول بر اساس نظرات گردشگران

۵-۱-۱. مراتب ادراک مسجد کبود تبریز در مبانی اتحاد عاقل و معقول

به منظور توصیف مراتب ادراک، شاخص‌های میانگین و انحراف معیار محاسبه گردید. شاخصه «ادراک حسی» با میانگین ۴.۱۱۷ بالاترین و شاخصه «ادراک عقلی» با میانگین ۳.۷۱۵ پایین‌ترین میانگین را به خود اختصاص دادند. شاخصه «ادراک خیالی» با میانگین ۳.۹۹۸ در سطح میانی قرار دارد. پیش از اجرای آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، پیش‌فرض کرویت (Sphericity) با استفاده از آزمون مآچلی بررسی گردید. نتایج نشان می‌دهد که مقدار معنی‌داری کوچکتر از ۰.۰۵ است ($Mauchly's W = 0.725, p < 0.001$). بنابراین فرض کرویت نقض شده و از تصحیح گرین‌هاوس-گیسر برای تفسیر نتایج استفاده شد.

برای مقایسه مراتب ادراک از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد. تفاوت بین میانگین شاخصه‌ها از نظر آماری معنی‌دار است ($Greenhouse-Geisser: F(1.568, 92.521) = 13.837, p < 0.001$). مقدار η^2 (0.190) نشان می‌دهد که حدود ۱۹.۰٪ از واریانس کل مربوط به تفاوت‌های بین شاخصه‌هاست (اثر بزرگ). نتایج مقایسه‌های زوجی با استفاده از تصحیح کمترین تفاوت معنادار (LSD) نشان می‌دهد که:

- بین شاخصه «ادراک حسی» با «ادراک خیالی» تفاوت معنادار وجود دارد ($p = 0.035$)
- بین شاخصه «ادراک حسی» با «ادراک عقلی» تفاوت معنادار وجود دارد، ($p < 0.001$)
- بین شاخصه «ادراک خیالی» با «ادراک عقلی» تفاوت معنادار وجود دارد ($p = 0.001$)

بنابراین رتبه‌بندی انجام‌شده برای مراتب ادراک معنادار بوده و اختلاف ایجاد شده بین مراتب ادراک تأیید می‌گردد. در ادامه به جمع‌بندی نتایج این بخش در قالب شکل ۱۰ پرداخته می‌شود. این شکل میانگین هر مرتبه و معناداری آن‌ها را نسبت به هم نشان می‌دهد.



شکل ۱۰. مقایسه مراتب ادراک؛ ابعادی که حروف مشترک دارند، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. ($p < 0.05$)

برای بررسی ساختار سلسله‌مراتبی سطوح ادراکی، از مقیاس گاتمن استفاده شد. نتایج نشان داد که ضریب بازتولیدپذیری (CR) برابر با ۰.۹۲۲ و درصد خطا برابر با ۷.۸٪ است. با توجه به این‌که CR بالاتر از معیار قابل‌قبول ۰.۹۰ می‌باشد، ساختار سلسله‌مراتبی سطوح ادراکی (حسی ← خیالی ← عقلی) در داده‌های حاضر طبق جدول ۳ تأیید می‌شود.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مقیاس گاتمن برای مراتب ادراک

شاخص	تعداد شرکت‌کنندگان	تعداد کل پاسخ‌ها	تعداد خطاها (الگوهای نقض)	ضریب بازتولیدپذیری (CR)	درصد خطا
مقدار	60	180	14	0.922	7.8%

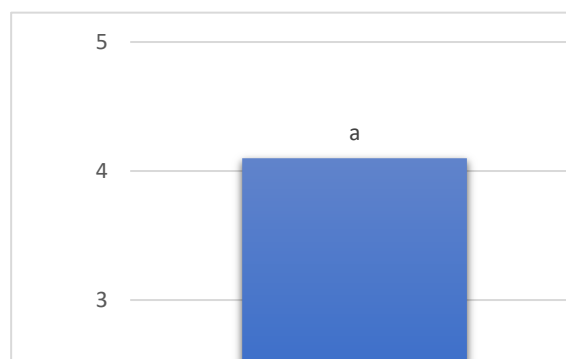
در تفسیر این تحلیل‌ها می‌توان گفت که ادراک حسی از اثر معماری که سطح اول ادراک است، بیشتر توسط گردشگران معماری میراث احساس می‌شود. پس از آن، ادراک خیالی از مسجد کبود که سطح دوم ادراک است به طور متوسطی توسط گردشگران معماری میراث تخیل می‌شود و در نهایت ادراک عقلی از مسجد کبود که سطح سوم ادراک است، کمتر توسط گردشگران معماری میراث تعقل می‌شود.

در تفسیر این تحلیل‌ها، می‌توان گفت مرتبه ادراک حسی انعکاسی ملموس از واقعیت خارجی بوده و لذا کاربران بیشتری به دریافت عینی از بنا دست می‌یابند. در مرتبه ادراک خیالی، پس از دریافت عینی اثر، ساختار خیالی از ماهیت بنا به واسطه حواس باطنی در ذهن کاربر شکل می‌گیرد. در نهایت در مرتبه ادراک عقلی، مرتبه نهایی از اتحاد عاقل و معقول شکل می‌پذیرد که مستلزم آگاهی نفس کاربر و دریافت مفاهیم کلی بنا می‌باشد. لذا بدیهی‌ست که این مرتبه ادراکی نسبت به سطوح دیگر ادراک، توسط کاربران کمتر دریافت شوند.

۵-۱-۲. مبانی اتحاد عاقل و معقول در مراتب ادراک مسجد کبود تبریز

به منظور توصیف مبانی اتحاد عاقل و معقول، شاخص‌های میانگین و انحراف معیار محاسبه گردید. شاخصه «معرفت‌شناسی» با میانگین ۴.۱۰۰ بالاترین و شاخصه «نفس‌شناسی» با میانگین ۳.۸۳۶ پایین‌ترین میانگین را به خود اختصاص دادند. پیش از اجرای آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر، پیش‌فرض کرویت (Sphericity) با استفاده از آزمون ماچلی بررسی گردید. نتایج نشان می‌دهد که مقدار معنی‌داری بزرگتر از ۰.۰۵ است ($Mauchly's W = 1.000, p = 1.000$) بنابراین فرض کرویت برقرار است و نیازی به تصحیح درجات آزادی نمی‌باشد.

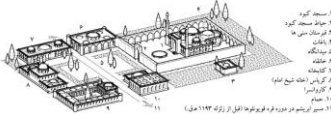
برای مقایسه مبانی اتحاد عاقل و معقول از آزمون تحلیل واریانس با اندازه‌گیری مکرر استفاده شد. تفاوت بین میانگین شاخصه‌ها از نظر آماری معنی‌دار است ($F(1, 59) = 31.225, p < 0.001$). مقدار Partial Eta Squared (0.346) نشان می‌دهد که حدود ۳۴.۶٪ از واریانس کل مربوط به تفاوت‌های بین شاخصه‌هاست (اثر بزرگ). نتایج مقایسه‌های زوجی با استفاده از تصحیح کمترین تفاوت معنادار (LSD) نشان می‌دهد که بین شاخصه «معرفت‌شناسی» با «نفس‌شناسی» تفاوت معنادار وجود دارد. ($p < 0.001$) در ادامه به جمع‌بندی نتایج این بخش در قالب شکل ۱۱ پرداخته می‌شود. این شکل میانگین هر بعد و معناداری آن‌ها را نسبت به هم نشان می‌دهد.

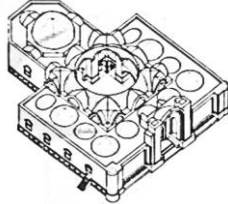
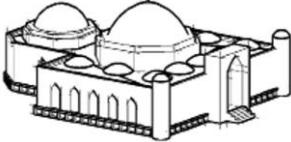
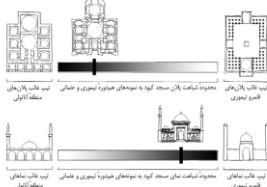
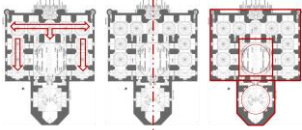
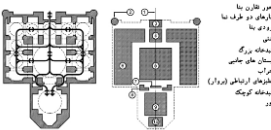


شکل ۱۱. مقایسه مبانی اتحاد عاقل و معقول؛ ابعادی که حروف مشترک دارند، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. ($p < 0.05$)

۵-۲. بررسی نمونه موردی (مسجد کبود تبریز) از دیدگاه اتحاد عاقل و معقول براساس نظرات پژوهشگران مسجد کبود (مظفریه) به عنوان یکی از آثار ارزشمند و منحصر بفرد معماری ایرانی-اسلامی در دوران حکومت جهانشاه قراقریونلو در کنار سایر بناهای مجموعه مشتمل بر خانقاه، کتابخانه، صحن و حمام ساخته شده است (ذکاء ۱۳۶۸، ۱۸۳). طبق اطلاعات مندرج در کتیبه سردر ورودی این مسجد، تاریخ ساخت آن به سال ۸۷۰ هجری قمری می‌گردد. در این بخش مطابق آن چه در بخش نظری در جدول ۲ به دست آمد، به تحلیل توصیفی مراتب ادراک آثار معماری در حکمت متعالیه براساس مبانی دیدگاه اتحاد عاقل و معقول توسط پژوهشگران مطابق جدول ۴ پرداخته می‌شود.

جدول ۴. دیدگاه اتحاد عاقل و معقول در فرایند خلق و ادراک معماری در حکمت متعالیه؛ (ماخذ: تحلیل توصیفی نگارندگان)

معدّات و روش‌های تحقیق	معدّات و روش‌های تحقیق	معدّات و روش‌های تحقیق	ادراک حسی	ادراک خیالی	ادراک عقلی
			بنای مسجد خلعت فاخر معمارانه‌ای که در قلمرو تیموریان به تعالی رسیده بود - یعنی ترکیب کاشی معرق و آجر - بر بتن می‌نماید (کبیر صابر و همکاران ۱۳۹۳، ۲۱). کاشی معرق با آجر بدون لعاب و کاشی فیروزه‌ای، لاجوردی، سیاه، سفید و طلایی و ... که ماده اولیه ساخت بنا بدون در نظر داشتن صورت‌بندی نهایی است.	هنرمند مسلمان، زیبایی و تناسب را در قرینگی، تکرار و استفاده مطلوب از فضای مثبت و منفی می‌داند (یوزباشی و امامی‌فر ۱۳۹۵). این امر خود بخشی از کیفیت زیبا شناختی و کیفیت بصری جسم مادی است که صورت ظاهری یافته و بر زیبایی ظاهری تزئینات می‌افزاید.	شبستان اصلی مملو از نشانه‌های ظاهری ملموس می‌باشد؛ به عنوان مثال کتیبه‌ای مزین به سوره فتح که به نشان پیروزی‌های جهان‌شاه، بر گرداگرد حاشیه بالایی شبستان نقش بسته‌است (شجاری و همکاران ۱۳۹۶، ۸۳). نظم وحدت‌بخش عناصر و تزئینات نمادین گرداگرد بنا نمودی کامل‌تر از جسم مادی است. همچنین استفاده از رنگ آبی و طرح چلیپا در بخش‌های مختلف مسجد و تکرار آن به شیوه‌های گوناگون می‌تواند نمونه‌ای از نمادشناسی در تزئینات و عناصر باشد.
معدّات و روش‌های تحقیق	معدّات و روش‌های تحقیق	معدّات و روش‌های تحقیق			
			بنای کبود تبریز از اتصال دو گنبدخانه در راستای محور ورودی، شکل گرفته است. فضای گنبدخانه اصلی، مسجد بوده و گنبدخانه دوم که در زیر آن مقابری وجود دارد، دارای کارکرد آرامگاهی است (دهقانی تفتی و همکاران ۱۴۰۰، ۱۳). بنابراین شکل ظاهری بنا از گونه مساجد دوگنبدی است که محور اصلی بنا را همین گنبدخانه‌ها تشکیل داده و مقیاس اصلی بنا را نیز از نظر انسان تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.	مسجد به دلیل پلان آزاد و ساده، از ابهام و رازآلودگی کمتری در فضا برخوردار است. با این وجود احجام صلب و غیرقابل نفوذ، با کم‌ترین ارتباط با فضای داخل، ما را وادار به حرکت در گرداگرد مسجد و یافتن مکانی برای رمزگشایی از این توده عظیم می‌نماید تا به سردر باشکوه مسجد می‌رسیم (شجاری و همکاران ۱۳۹۶، ۸۱). صرف نظر از پلان مسجد، ابهام و رازآمیزی در معماری سنتی ایران وابسته به حس رازآلودی متأثر از ناشناختگی (عدم شناخت کامل) بناست.	مجموعه مظفریه مشتمل بر مسجد، خانقاه، کتابخانه، صحن و حمام است. جهان‌شاه و همسرش خاتون‌جان بیگم براساس سنت مقبره‌سازی برای سلاطین و بزرگان به فکر ایجاد فضایی مجزا برای قرارگیری مقابرشان در مجموعه مظفریه افتاده‌اند (دهقانی تفتی و همکاران ۱۴۰۰، ۱۶). اما افزون بر این علت مادی و صوری، علت فاعلی و غایی ساختمان که همان اندیشه معمار است می‌تواند در اندیشه مخاطب نیز تجلی یابد.
معدّات و روش‌های تحقیق	معدّات و روش‌های تحقیق	معدّات و روش‌های تحقیق			
			بین پلان و فرم و به عبارتی بین ساختار و کارکرد آن، هماهنگی وجود دارد. همچنین تناسب رنگ، بافت و مصالح در داخل و خارج بنا به ویژه با الهام از دور خنک زرد و آبی به عنوان رنگ‌های اصلی و رنگ سبز، وجود داشته است. اما بدلیل مرمت‌های نادرست در طی سالیان، هماهنگی و تناسب کلی تزئینات و	به گفته بوک‌چارت هرگاه سلامی تجربه‌ای زیبایی شناختی از وحدت و کثرت‌های جهان است که در این تجربه، کلیه کثرت‌ها در حوزه نظمی بدیع به وحدت تبدیل می‌شوند. به نحوی که می‌تواند به انسان‌ها یاری رساند که از کثرت تشویش‌ها بگریزند و به آرامش و وحدت بازگردند (بلالی اسکویی و همکاران ۱۴۰۲، ۱۰۶).	از مهم‌ترین نمادها در کالبد مساجد گنبد و مناره می‌باشد. دو مناره مسجد کبود با کشیدگی نسبتاً کم به سمت آسمان، نشانی از توجه به بیرون است. در مقابل دو گنبد قدامی و اصلی با دربرگیری فضای داخل نهاد توجه به درون دارد. این دو در کنار هم تمثیلی از دو سیرانسان در آفاق و افس‌دارند (نقره کار ۱۳۸۹، ۲۷) بین می‌توانند

	نمای مسجد درهم ریخته است. 	مسجد کبود نیز چه در نحوه استفاده از تزئینات و چه در فرم کلی بنا از این امر مستثنی نیست. 	تمثیلی از هاهنگی معنایی در فرم و فضای مسجد باشد. 
حادث جسمانی نفس و بقای روحانی آن	در به کارگیری مصالح و فنون اجرای طاق ها، چپیره سازی و طاق بندی های زیر گنبدخانه در آرامگاه و مسجد، همذاتی اش با معماری ایرانی را تأیید می کند (ده قانی تفتی و همکاران ۱۴۰۰، ۱۶). تقسیم وزن گنبد بر پایه های هشتگانه بزرگترین دستاورد معماران ایرانی ریشه در دوران ساسانیان دارد. گنبد از داخل کروی و از بیرون شبدری است (گلستان قرآن ۱۳۷۹، ۲۲). پس از زلزله شدید تبریز، کالبد اصیل بنا حتی در شیوه ساخت هنگام مرمت تحت تاثیر قرار گرفته است. 	هندسه و ترکیب حجمی خاص بنا، آن را از دیگر نمونه های مسجد در ایران متمایز می سازد. اندیشه آفرینش معماری مسجد کبود، چون تک ستاره ای بود که برای یک بار درخشید و خاموش شد. با وجود روابط شکلی مشترک بین مسجد کبود و مساجد منطقه آناتولی، تأثیر جریان معماری تیموری در شاکله و ترکیب حجمی آن مشهود است (کبیر صابر و همکاران ۱۴۰۰). افزون بر این امر مسجد کبود از گونه مساجد برون گرا است که با توجه به اقلیم تبریز، متفاوت با مساجد درونگرا در سایر اقلیم های ایران است. تفاوت و منحصر بفردی مسجد کبود عاملی در ماندگاری بنا در ذهن است. 	مساجد با وجود تفاوت هایی که در اقلیم های مختلف دارند، به واسطه نشانه های مهم معماری می توانند نوعی از احساس همذات پنداری و خاطره انگیزی را برای گردشگران به همراه آورند و به حضور پذیری بیشتر فضا کمک نمایند. 
حرکت جوهری نفس	فضای جانبی شبستان حول گنبدخانه مرکزی با مدخل های اصلی و فرعی جهت ارتباط، به زیبایی انتظام یافته اند. صحن محصور و تعریف شده مسجد با شکل منظم هندسی، نقش انتقال دهنده ناظر از یک فضای نامنظم روزمره به فضای منظم و معنوی ایفا می کند (شجاری و همکاران ۱۳۹۶، ۸۱) که به پویایی فضا نیز کمک می نماید. همچنین محوریت دوگنبد مسجد کبود، به عنوان محور ورودی نظم دهنده فضای مسجد بوده و تقارن در بنا را تقویت می کند. 	نقطه مقابل اینهم و آرامیزی فضا، خوانایی و وضوح است که به دلیل پلان ساده و آزاد مسجد به خوبی رعایت شده است (صلاحی مهر و شامپور ۱۴۰۳). مسجد کبود از دو گنبدخانه بزرگ و کوچک تشکیل شده و وجود شبستان های شرقی و غربی در گرداگرد گنبدخانه به شفافیت، وضوح، خوانایی و سیالیت در فضای مسجد کمک می نماید. 	تاورنیه جزئیات گنبد اصلی را به ظرافت تمام توصیف کرده و آن را تشبیه به یک پرده نقاشی کرده است. وقتی رویت شیء را به یاد شیء دیگر بیندازد در واقع آن شیء در حکم یک نشانه است و در این جا گنبد یادآور پرده نقاشی در نظر سیاح خارجی است (تاورنیه ۱۳۶۳، ۶۷). این خود می تواند تمثیلی از نشانه های معنایی در مسجد باشد که مولد حرکت در ذهن مخاطب است. 

مقایسه و تطبیق نتایج پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها در بخش «مراتب ادراک م‌سجد ک‌بود تبریز در م‌بانی اتحاد عاقل و معقول» با پیشینه خوشه دوم صورت می‌پذیرد. مطابق با نتایج پژوهش حاضر، ادراک سلسله‌مراتبی در آثار معماری به ویژه مسجد کبود تبریز براساس اتحاد عاقل و معقول ملاصدرا به ترتیب در مرتبه حسی، خیالی و عقلی تأیید می‌گردد. در پژوهش شجاری و همکاران (۱۳۹۶) و شجاری و همکاران (۱۳۹۷) ادراک در مراتب حسی، خیالی و عقلی براساس حرکت جوهری ملاصدرا به عنوان بخشی از مبانی اتحاد عاقل و معقول در مسجد کبود تبریز و مسجد جامع تبریز صورت می‌پذیرد. در پژوهش حاضر فضای ادراکی پویایی، سیالیت و مکث به ترتیب زمینه‌ساز سه تجربه ادراکی حسی، خیالی و عقلی در نفس انسان بر مبنای حرکت جوهری است که مطابق با دو پژوهش شجاری و همکاران، بین مراتب استکمالی بدن تا نفس در کسب معرفت بر مبنای فلسفه حرکت جوهری و مراحل ادراک تجربی فضا از ماده به معنا در معماری اسلامی، همخوانی قابل توجهی مشاهده می‌شود.

در پژوهش بنی‌اسدی‌باغمیرانی و همکاران (۱۴۰۱) نیز ادراک در مراتب حسی، خیالی و عقلی براساس حرکت جوهری ملاصدرا به عنوان بخشی از مبانی اتحاد عاقل و معقول در مسجد-مدرسه آقابزرگ کاشان صورت می‌پذیرد. ناظر سه نوع حرکتی (بصری، فیزیکی و ذهنی) را تجربه می‌کند که در قالب چهار رکن مکث، انتقال، وصل و وحدت در فضای معماری، ادراک ناظر را از مرتبه حسی به خیالی، و سپس مرتبه عقلی هدایت می‌کند. پژوهش بنی‌اسدی باغمیرانی و همکاران، سیر حرکت تکاملی و ادراک در مسجد را وابسته به ارزش فضاهای مسجد می‌داند به طوری که گنبدخانه به عنوان مقصود نهایی در بنای مسجد، بیانگر رکن وحدت است.

مقایسه و تطبیق نتایج حاصل از پژوهش حاضر با پژوهش صلاحی‌مهر و هاشم‌پور (۱۴۰۳) در پیشینه خوشه سوم در مراتب ادراک گردشگری میراث صورت می‌پذیرد. در تطبیق این دو پژوهش، مراتب ادراک گردشگری مسجد کبود تبریز، به صورت سلسله‌مراتبی صورت می‌پذیرد. در پژوهش یاد شده، مبنای این ادراک بر پایه میزان سرمایه فرهنگی گردشگر صورت می‌پذیرد که برگرفته از نظریات غربی است. اما در پژوهش حاضر، مبنای این ادراک بر پایه آمادگی نفس گردشگر است که بر مبنای حکمت متعالیه ملاصدرا صورت می‌گیرد.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با استفاده از دیدگاه اتحاد عقل، عاقل و معقول ملاصدرا، به تبیین مراتب ادراک فضای معماری و تحلیل این نوع از ادراک در معماری مسجد کبود تبریز براساس دیدگاه گردشگران و پژوهشگران پرداخت. در پاسخ به سوال اول، مبانی اتحاد عاقل و معقول در دو بخش «نفس‌شناسی» شامل کل‌القوی بودن نفس، حرکت جوهری نفس و حدوث جسمانی نفس و بقای روحانی آن و «معرفت‌شناسی» شامل حضوری بودن علم و اتحادی بودن ترکیب ماده و صورت، استخراج گردید و در ادامه در سه مرتبه ادراک حسی، خیالی و عقلی و در دو بخش تجربه ادراکی (حکمت متعالیه) و فضای ادراکی (معماری) تبیین شد.

در پاسخ به سوال دوم، با بررسی نمونه‌موردی مسجد کبود تبریز از دیدگاه اتحاد عاقل و معقول توسط پژوهشگران، می‌توان به تحلیل نتایجی که از مراتب ادراک گردشگران به دست آمده پرداخت. در بخش معرفت‌شناسی، در سطح اول ادراک (حسی)، عناصر و مصالح اولیه بنا همچون کاشی و آجر و همچنین مقیاس و شکل ظاهری مسجد از نوع دوگنبدی عینی‌ترین حالت شناختی است که گردشگران از مسجد کبود به دست می‌آورند. در سطح دوم ادراک (خیالی)، دریافت کیفیت بصری تزئینات و همچنین رازآلودی در یک بنای تاریخی بخشی از حالت ذهنی شناخت است که گردشگران مسجد کبود به دست می‌آورند. طبیعی است که این مرحله، دومین مرحله از ادراک مسجد باشد؛ چرا که دریافت کیفیت بصری تزئینات با اضافه شدن صورت ظاهری به ماده اولیه سازنده همراه بوده و دریافت رازآلودگی فضا وابسته به رویت کلیت حجمی بناست. در سطح سوم ادراک (عقلی)، معنای خطوط قرآنی، طیف رنگ آبی و شکل‌های نمادین به کار رفته در تزئینات و همچنین شناخت علل بنیادی ساخت بنا، عمیق‌ترین حالت شناختی است که

گردشگران از مسجد کبود به دست می‌آورند. طبیعی است که این مرحله، سومین مرحله از ادراک مسجد باشد؛ چرا که دریافت معانی نهفته در تزئینات فعلیت کامل‌تری از آن بوده و دریافت علل ساخت بنا مستلزم آگاهی بیشتر مخاطب است. با توجه به سلسله‌مراتبی بودن مراتب ادراک، ادراک فضای معماری در سطوح پایین‌تر بیشتر توسط گردشگران مسجد کبود تبریز صورت گرفته و در سطوح بالاتر ادراک کمتری را از طرف آنان داشته‌است.

در بخش نفس‌شناسی، در سطح اول ادراک (حسی)، درک تناسب اجزای مسجد، استحکام بنا و سلسله‌مراتب حرکتی، هم‌ارز با نیازهای سطوح پایین‌تر نفس مخاطب است که حالت مادی به خود می‌گیرد. اما با توجه به تاثیراتی که کالبد اصیل بنا پس از زلزله شدید تبریز در حین مرمت پذیرفته‌است، تناسبات ظاهری بنا در تزئینات و همچنین سازه سنتی بنا دچار تغییراتی شده‌است. لذا یکی از علل پایین‌تر بودن امتیازات گردشگران در بخش نفس‌شناسی می‌تواند ناشی از همین موضوع باشد؛ حال آن‌که در مصاحبه‌های گردشگران شیوه مرمت مسجد کبود به عنوان نکته‌ای منفی قلمداد می‌شد. در سطح دوم ادراک (خیالی)، درک حس و حدت در کثرت، حس یگانگی و منحصربردی و حس خوانایی و وضوح هم‌ارز با نیازهای سطوح متوسط نفس مخاطب است که حالت روانی به خود می‌گیرد. حس و حدت در کثرت به‌مانند سایر مساجد در این بنا نیز مشهود است. حس خوانایی و وضوح نیز با توجه به شفافیت در عملکردهای فضا قابل پیش‌بینی است. حس یگانگی و منحصربردی با توجه به تفاوت‌های مکانی در قیاس با مساجد هم‌دوره و تفاوت‌های زمانی در قیاس با مساجد هم‌مکان دور از انتظار نیست. در سطح سوم ادراک (عقلی)، درک روابط معنایی در فرم و فضا، خاطره‌انگیزی بنا و نشانه‌های معنایی هم‌ارز با نیازهای سطوح بالاتر نفس مخاطب است که حالت معنایی به خود می‌گیرد و دریافت معانی مختلف نهفته در آن وابسته به نفس آگاه مخاطب است.

طبیعی است که سلسله‌مراتب ادراک در این بخش نیز صادق باشد؛ روابط معنایی در فرم و فضا، نمود کامل‌تری از وحدت در کثرت و وحدت در کثرت نمود کامل‌تری از تناسبات اجزاست. همچنین پس از ساخت فیزیکی بنا، منحصربردی بنا باعث ماندگاری آن و القای حس خاطره‌انگیزی موجب حضورپذیری می‌شود. در نهایت حرکت فیزیکی، پیش‌زمینه حرکت بصری و حرکت بصری پیش‌زمینه حرکت ذهنی است.

به طور کلی اهمیت میزان ادراک گردشگران از آثار میراث که روح جهان‌بینی و فرهنگ جامعه میزبان است، پژوهشگران پژوهش حاضر را بر آن داشت تا این آثار را به‌عنوان اثر هنری که دارای ظرفیت لازم در جهت ارضای نیازهای انسان از سطوح مادی تا معنوی بوده نگریسته و پس از بررسی نتایج پژوهش، تلاش برای آشنایی بین‌شکاف موجود میان آن‌ها نمایند. لذا نتایج کلی پژوهش بر این استوار است که ویژگی‌های ملموس آثار هنری که برگرفته از کیفیت دیداری آن‌هاست، توانایی بیشتری در تاثیرگذاری بر ادراک گردشگران داشته‌است (ادراک حسی). ویژگی‌های شناختی و روانشناختی آثار هنری که برگرفته از کیفیت اطلاعات محیطی و محرک‌های محیطی است، توانایی متوسطی در تاثیرگذاری بر ادراک گردشگران داشته‌است (ادراک خیالی). ویژگی‌های نشانه‌شناختی و معناشناسی آثار هنری که متأثر از کیفیت فرهنگی و مفهومی آن‌هاست، توانایی کمتری در تاثیرگذاری بر ادراک گردشگران دارد (ادراک عقلی).

بر این اساس، راهبرد کلی پژوهش حاضر بر طراحی تجربه‌ای چندلایه از میراث فرهنگی استوار است که طی آن، ابتدا از طریق مرمت و احیای اصولی بنا، زمینه جلب توجه و برانگیختگی حسی گردشگر فراهم گردد؛ سپس در گام بعدی، ابزارهای روایتگرانه نظیر واقعیت افزوده و راهنمایی‌های تعاملی، لایه‌های شناختی و خیال‌انگیز اثر به تدریج آشکار شود و نهایتاً با ایجاد فضاهای گفت‌وگومحور و بازنمایی مفاهیم نمادین، بستر لازم برای درک معانی عمیق‌تر و جهان‌بینی نهفته در آثار مهیا گردد. این رویکرد تدریجی، ضمن پرهیز از تحمیل یک باره اطلاعات انتزاعی، به گردشگر فرصت می‌دهد تا از مواجهه سطحی با اثر، به تدریج به ادراکی اصیل و معنادار دست یابد و در این مسیر، شکاف میان احساس و تعقل، دیدن و درک کردن، کاهش یابد. در نهایت، چنین تجربه‌ای نه تنها میراث را به عنوان کالایی بصری، بلکه به‌مثابه پلی زنده برای ارتباط فرهنگی و خودشناسی گردشگر تثبیت می‌کند.

منابع

۱. اراکی، محسن. ۱۳۹۱. *حقیقت ادراک و مراحل آن در فلسفه ملاصدرا*. مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۲. ارشدریاحی، علی؛ واسعی، صفیه. ۱۳۹۰. ارتباط مراتب و جود با مراتب ادراک از نظر ملا صدرا. *جستارهایی در فلسفه و کلام*، ۴۳(۱)، ۹-۴۵.
۳. آشتیانی، مهدی. ۱۳۶۷. *تعلیق بر شرح منظومه حکمت*، به اهتمام عبدالجواد فلاطوری و مهدی محقق، دانشگاه تهران.
۴. امرایی، بابک. ۱۳۹۳. تحلیل بینان‌شانه‌ای روابط فرم و فضا. *هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی*، ۴(۱۹)، ۲۵-۳۶.
۵. ایمانی، نادیه؛ صبور، نگار. ۱۳۹۳. اندیشه معماری در آیین نظریه‌های معاصر معماري. *معماری و شهرسازی*، ۱۲(۱۲)، ۷۷-۹۵.
۶. باقرزاده‌مشکی‌باف، محسن؛ عابدی، مصطفی. ۱۴۰۱. تفسیر ایدئالیستی از معرفت‌شناسی حکمت متعالیه بر پایه فعالیت ذهن. *تاریخ فلسفه اسلامی*، ۱(۳)، ۱۰۷-۱۳۴.
۷. برزنجی، سیدنوید؛ بختیاران، مریم؛ شیبانی رضوانی، فیروزه. ۱۴۰۲. چیستی ادراک در نسبت با رازآمیزی آثار هنری مدرن براساس اندیشه مرلوپونت. *جلوه هنر*، ۲(۲)، ۷-۲۰.
۸. بلالی اسکویی، آریتا؛ شجاری، مرتضی؛ حیدری ترکمانی، مینا؛ موسوی شربیانی، سید جلال. ۱۴۰۱. بررسی تجلی وحدت در مسجد امام اصفهان براساس آراء ابن عربی. *حکمت معاصر*، ۱۳(۳۴)، ۹۱-۱۲۱.
۹. بنی‌اسدی‌باغمی‌رانی، مهدی؛ حسینی، سیدبه‌شید؛ شاهچراغی، آزاده. ۱۴۰۱. جستاری در مراتب ادراکی مسجد مدرس آقا بزرگ کاشان، براساس نظریه حرکت جوهری ملاصدرا. *حکمت معاصر*، ۱۳(۲)، ۶۳-۸۷.
۱۰. پیش‌بین، اعظم‌سادات؛ جوارشکیان، عباس؛ حسینی شاهرودی، سیدمرتضی. ۱۳۹۷. بررسی و نقد سه روایت صدایی از نسبت میان عاقل و معقول و نحوه اتحاد آنها. *حکمت اسلامی*، ۴(۴)، ۱۲۹-۱۵۰.
۱۱. تاورنیه، ژان باتیستا. ۱۳۶۳. *سفرنامه تاورنیه*، مترجم: ابوتراب نوری، تصحیح: حمید ارباب شیرانی، تهران: انتشارات کتابخانه سنایی.
۱۲. تقدیر، سمانه. ۱۳۹۸. تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه. *مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی*. تهران: انتشارات آفتاب توسعه.
۱۳. تقدیر، سمانه. ۱۴۰۰. بازخوانی فرایند خلق و ادراک آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۹(۳)، ۱۷-۱۴۹.
۱۴. حاتمی‌گلزاری، الهام؛ میرزا کوچک‌خو شنویس، احمد؛ بایزیدی، قادر؛ حبیبی، فواد. ۱۴۰۰. تدوین مؤلفه‌های ماندگاری فضاهای معماری شهری با تأکید بر ضرب‌آهنگ‌های زندگی روزمره (نمونه‌موردی: محدوده بازار تبریز). *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، ۲۱(۶۰)، ۲۱۸-۲۰۱.
۱۵. حسن‌زاده‌آملی، حسن. ۱۳۸۵. *دروس معرفت نفس*، قم: انتشارات الفلام‌میم.
۱۶. حسینی‌امین، حسین؛ معین‌الدینی، فاطمه. ۱۳۹۸. نقد و بررسی استدلال‌ات حکیم سبزواری در اثبات مسئله اتحاد عاقل و معقول. *حکمت معاصر*، ۱۰(۱)، ۳۱-۴۶.
۱۷. دهقانی تفتی، محسن؛ مدرس‌زاده، زهراالسادات؛ معاریان، غلامحسین. ۱۴۰۰. ریشه‌یابی الگوی معماری مسجد کبود تبریز. *مطالعات معماری ایران*، ۱۹(۱)، ۵-۲۳.
۱۸. ذکاء، یحیی. ۱۳۶۸. *شهرهای ایران*، ج ۳. تألیف محمدیوسف کیانی. چاپخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی با هم‌کاری انتشارات جهاد دانشگاهی.

۱۹. رسولی پور، سمیه؛ کشتگر قا سمی، ریحانه؛ د ستمردی، عبدالخالق؛ یوزبا شی، عطیه. ۱۴۰۰. مقایسه تطبیقی تزیینات معماری مسجد جامع کبود ایروان با مسجد جامع کبود تبریز به مثابه راه برد فرهنگی. هنر / اسلامی، ۱۸(۴۴)، ۲۰۴-۲۲۱.
۲۰. زال، محمدحسن و اسماعیلی، امین. ۱۳۹۹. میراث فرهنگی و مؤلفه‌های اثرگذار بر بازگشت مجدد گرد شگران به مقصد (مطالعه موردی: بافت تاریخی ساری). برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۹(۳۳)، ۱۲۹-۱۴۷.
۲۱. سالاری، محمد؛ مسعودی، جهانگیر؛ حسینی، سیدابوالفضل. ۱۳۹۶. آت‌حاد عا قل و مع قول از دیدگاه ملا صدرا و ابن‌سینا. جستارهایی در فلسفه و کلام، ۴۹(۱)، ۵۳-۷۲.
۲۲. شجاری، مرتضی؛ سلخی خسرقی، صفا؛ آصفی، مازیار. ۱۳۹۶. حرکت تکاملی نفس آدمی در فضای مسجد برمب‌نای آرای ملا صدرا (نمونه‌موردی: مسجد کبود تبریز). کیمیای هنر، ۶(۲۲)، ۷۵-۸۸.
۲۳. شجاری، مرتضی؛ سلخی خسرقی، صفا؛ آصفی، مازیار. ۱۳۹۷. مراتب ادراک فضای سیال در مسجد جامع تبریز؛ با نگاهی به مفهوم حرکت در آراء ملا صدرا. حکمت معاصر، ۹(۲)، ۱۵۷-۱۷۶.
۲۴. شجاری، مرتضی؛ طباطبایی لطفی، زکیه‌السادات. ۱۳۹۵. خلاقیت در معماری با الهام از حکمت متعالیه. حکمت معاصر، ۷(۲)، ۲۳-۴۴.
۲۵. صدرالدین شیرازی، محمدابراهیم. ۱۳۸۲ق. /سفار. جلد ۳، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۶. صدرالدین شیرازی، محمدابراهیم. ۱۳۷۵. مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتألهین (در ساله ات‌حاد عا قل و مع قول). تصحیح حامد ناجی اصفهانی. تهران: انتشارات حکمت.
۲۷. صدرالدین شیرازی، محمدابراهیم. ۱۳۸۳ب. ترجمه /سفار. محمد خواجه‌وی. تهران: مولا.
۲۸. صدرالدین شیرازی، محمدابراهیم. ۱۴۱۰ق. /الحکمة المتعالیه فی‌السفار الربعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۸.
۲۹. صلاحی‌مهر، فرزانه؛ ها شم‌پور، پریسا. ۱۴۰۳. نقش سرمایه‌های فرهنگی در ادراکات زیباشناسانه گرد شگران براساس نظریه بورديو (موردکاوی مسجد کبود تبریز). گردشگری فرهنگ، ۱۹(۱)، ۴۴-۵۷.
۳۰. عباس‌زاده، مظفر؛ محمدمرادی، اصغر؛ سلطان‌احمدی، الناز. ۱۳۹۴. نقش ارزش‌های میراث معنایی و شهری در توسعه گردشگری فرهنگی (نمونه موردی: بافت تاریخی ارومیه). مطالعات شهری، ۴(۱۴)، ۷۷-۹۰.
۳۱. عربانی‌نژاد، رضا؛ دژدار، امید؛ سروش، محمدمهدی. ۱۴۰۰. تحلیلی بر نقش مذهب در شکل‌گیری نشانه‌های تزیینی دوره صفوی در اصفهان (مطالعه موردی: مسجد شیخ لطف‌الله و امام). مطالعات محیطی هفت حصار، ۳۷(۳)، ۷۵-۸۲.
۳۲. عزیززاده، بیوک. ۱۳۸۱. مبانی نظریه اتحاد عاقل و معقول. پژوهشنامه متین، ۴(۱۷)، ۱۲۳-۱۴۸.
۳۳. کاوندی، سحر. ۱۳۸۴. معرفت‌شناسی ادراک عقلی از نظر ملا صدرا. نامه حکمت، ۲(۳)، ۸۹-۱۰۷.
۳۴. کبیرصابر، محمدباقر؛ مظاهریان، حامد؛ پیروی، مهناز. ۱۳۹۳. ریخت‌شناسی معماری مسجد کبود تبریز. مطالعات معماری ایران، ۶(۴)، ۵-۲۳.
۳۵. کریم‌زاده حلیمی، حسین؛ چناقلو، محمدرضا. ۱۳۹۶. چگونگی تأثیر هماهنگی به عنوان یکی از ملاک‌های زیبایی از منظر فلسفه اسلامی بر روحانیت فضای داخلی مسجد. فیروزه اسلام /پژوهه معماری و شهرسازی اسلامی، ۴(۴)، ۱-۱۲.
۳۶. کیانی، مصطفی؛ بهجو، اشکان؛ راسیتان‌طهرانی، نوشین. ۱۳۹۴. تداوم فضایی در معماری معاصر ایران بررسی میزان تأثیرپذیری معماری معاصر ایران از معماری غرب و معماری ایرانی. نقش جهان مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی، ۵(۳)، ۶۷-۵۲.
۳۷. گلستان قرآن. ۱۳۷۹. گزارش اصلی؛ جان‌مایه‌های آهنگ آیات در نقش‌نواهای مسجد کبود. (۲۰)، ۲۱-۲۶.

۳۸. ماهان فر، شهرام؛ پورزرگر، محمدرضا؛ دهباشی شریف، مزین. ۱۴۰۲. تبیین الگوهای زیبایی‌شناسی در طرح نماهای ساختمان‌های شاخص اداری شهر تهران در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰. *مطالعات هنر/ سلامی*، ۲۰(۵۱)، ۵۱۹-۵۵۳.
۳۹. متولی حقیقی، منا؛ صحاف، خسرو؛ کمالی‌زاده، طاهره. ۱۴۰۲. تعالی در معماری ایرانی با تأملی در حکمت متعالیه. *باغ نظر*، ۲۰(۱۲۹)، ۴۵-۵۶.
۴۰. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۰. شرح منظومه، ج ۱. تهران: انتشارات حکمت.
۴۱. مطهری، مرتضی. ۱۳۶۹. مقالات فلسفی. تهران: انتشارات حکمت.
۴۲. مهرافزا، سمیرا؛ رضایی، محمود؛ کمالی‌زاده، طاهره. ۱۴۰۲. تبیین محاکات متأثر از آرای صدرا در آفرینش فضاهای شهری و معماری. *باغ نظر*، ۲(۱۲۲)، ۶۷-۸۰.
۴۳. مومنی، ناصر. ۱۳۹۱. واکاوی دیدگاه‌های صدرایی پیرامون فرآیند ادراک حسی. *متافیزیک*، (۱۳)، ۱۵-۳۰.
۴۴. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۷. درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۴۵. نقره‌کار، عبدالحمید. ۱۳۸۹. مبانی نظری معماری. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۴۶. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۱. تاثیر معماری و شهر بر ارزش‌های فرهنگی. *هنرهای زیبا*، ۱۱(۱۱)، ۶۲-۷۶.
۴۷. نوربرگ‌شولتز، کریستیان. ۱۳۹۳. *گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان*. ترجمه و ویدا خوروز براز جانی، تهران: پر هام نقش.
۴۸. یوزباشی، عطیه؛ امامی‌فر، سید نظام‌الدین. ۱۳۹۵. تزئینات وابسته به معماری امام‌زاده‌های شهرستان دماوند استان تهران. نمونه موردی: امام‌زاده شمس‌الدین محمد(ع). *هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، ۲۴(۳)، ۵۲-۴۱.

References

1. Abbaszadeh, M. , mohammad Moradi, A. and soltanahmadi, E. 2015. The Role of Architectural and Urban Heritage Values in Cultural Tourism Development: Case study: The historical fabric of Urmia. *Motaleate Shahri*, 4(14), 77-90. [In Persian]
2. Alizadeh, B. 2002. The theoretical foundations of the theory of the union of the intellect and the intelligible. *Matin Research Journal* , 4(17), 123-148. [In Persian]
3. Al Walid., kh. 2023. Mulla Sadra's Realism on The Principle of Ittihad al-'Aqil wa al-Ma'qul: A Response to Modern Realism. *FIKRAH* 11(2):176
4. Amraee, B. 2014. Intersemiotic Analyses of Relation between Form and Space. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 19(4), 25-36. doi: 10.22059/jfava.2014.55418. [In Persian]
5. Araki, M. 2012. *The Reality of Perception and Its Stages in Mulla Sadra's Philosophy*. Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
6. Arshadriyahi, A., & Vasei, S. 2011. Relation of Levels of Existence to the Levels of Perception in Mullā Ṣadrā's View. *Essays in Philosophy and Kalam*, 43(1), 10-45. doi: 10.22067/philosophy.v43i1.11266 [In Persian]
7. Ashtiani, M. 1988. *Commentary on the Explanation of Wisdom Poem*. (A. Falatouri & M. Mohaghegh, Eds.). University of Tehran Press. [In Persian]
8. Aygenç, B., Ozburak, C., & Uzunoglu, S. 2020. Investigation of Place Attachment and Sense of Belonging from the Perspective of the Residents - Samanbahçe Social Residences as Case Study. *Revista Amazonia Investiga*, 9: 91-107.
9. Bagherzadeh Meshkibaf, M., & Abedi, M. 2022. An idealistic interpretation of the epistemology of transcendent philosophy based on the agency of the mind. *History of Islamic Philosophy*, 1(3), 107-134. [In Persian]
10. Baniasadi Baghmirani, M. , Hosseini, S. B. and Shahcheraghi, A. 2023. Perceptual Degrees of Aqa Buzurg Mosque-School in Kashan in terms of Mullā Ṣadrā's Theory of Substantial

- Motion. *Contemporary Wisdom*, 13(2), 63-87. doi: 10.30465/cw.2023.39386.1860. [In Persian]
11. Barzanji, N. , Bakhtiarian, M. and Sheibani Rezvani, F. 2023. Nature of Perception in Relation to Mystery of Modern Art Based on Merleau-Ponty's Thought. *Glory of Art (Jelvey Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 15(2), 7-20. doi: 10.22051/jjh.2023.42047.1875 [In Persian]
 12. Belali oskui, A, shajari, M, heydaritorkmani, M and mousavi sharabiani, S J . 2022. Manifestation of Unity in the Imam Mosque of Isfahan according to Ibn 'Arabi's Views. *Contemporary Wisdom*, 13(1), 29-59. doi: 10.30465/cw.2022.39889.1870. [In Persian]
 13. Dehghani Tafti, M. , Modarres-zadeh, Z. A. and Me'marian, G. 2022. The Origin of the Architectural Model of the Blue Mosque in Tabriz. *Journal of Iranian Architecture Studies*, 10(19), 5-23. doi: 10.22052/jias.2022.111862. [In Persian]
 14. Edgell, D.L. 2009. Managing Sustainable Tourism: A Legacy for the Future. Jahad Daneshgahi Publication. 35-36, 106, 115-116. [In Persian]
 15. Gao, J., Zhang, C., Zhou, X., & Cao, R. (2021). Chinese tourists' perceptions and consumption of cultural heritage: a generational perspective. *Asia Pacific Journal of Tourism Research*, 26(7), 719–731. <https://doi.org/10.1080/10941665.2021.1908382>
 16. Golestan, Quran. 2000. *Main Report; The Essence of the Melody of Verses in the Musical Notations of the Blue Mosque*. No. 20, 21-26. [In Persian]
 17. Harris, E., Franz, A., & O'Hara, S. 2023. Promoting Social Equity and Building Resilience through Value- Inclusive Design. *Buildings*, 13, 2081.
 18. Hassanzadeh, H. 2006. *marifat nafs lessons*. Alef Lâm Mim Press. [In Persian]
 19. Hatami Golzari, E., Mirzakouchak Khoshnevis, A., Bayazidi, Q., & Habibi, F. 2021. Compilation of components of urban architectural spaces durability emphasizing the of everyday life rhythms (Case study: Tabriz Bazaar). *Geographical Sciences*, 21(60), 201–218. [In Persian]
 20. Hosseiniamin, H. and Moinoldini, F. 2019. Review and Survey the wisdom of Sabzevari's arguments in proving the issue of identity of subject and object. *Contemporary Wisdom*, 10(1), 31-46. doi: 10.30465/cw.2019.3807. [In Persian]
 21. Imani, E, shajari, m. 2024. Reading out the Existence Degrees of Sadra Wisdom in the Hierarchy of Iranian Garden (Case Study: Fin Garden, Kashan). *Iranian Islamic city studies*, no. 54, 43-61. [In Persian]
 22. Imani, N. and Saboori, N. 2014. Architectural Thought in Contemporary Theories of Architecture. *Journal of Architecture and Urban Planning*, 6(12), 77-95. doi: 10.30480/aup.2014.103 [In Persian]
 23. Kabirsaber, M. , Mazaherian, H. and Peyrovi, M. 2022. Architectural Morphology in Kabood Mosque of Tabriz (Iran). *Journal of Iranian Architecture Studies*, 3(6), 5-23. [In Persian]
 24. Karimzadeh Halimi, H., & Chenaghloou, M. R. 2017. The Effect of Coordination as a Criterion of Aesthetics with Regard to Islamic Philosophy on the Spirituality of the Interior Space of Mosques. *CIAUJ*. 3(1), 1-12. doi:10.29252/ciauj.3.1.1. [In Persian]
 25. Kavandi, S. 2005. The Epistemology of Rational Perception According to Mulla Sadra. *Philosophy of Religion Research*, 3(2), 89-107. doi: 10.30497/prr.2012.1199 [In Persian]
 26. Khumalo, T; Sebatlelo, P; van der Merwe, C. D. (2014). "Who is a heritage tourist?" a comparative study of Constitution Hill and the Hector Pieterse Memorial and Museum. *African Journal of Hospitality, Tourism and Leisure*, 3, Johannesburg, South Africa.
 27. Kiani, M. , Behjou, A. and Rastian Tehrani, N. (2015). Spatial continuity in contemporary Iranian architecture. *Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning*, 5(3), 52-67. [In Persian]
 28. Lai, S., Zhang, S., Zhang, L., Tseng, H.-W., & Shiau, Y.-C. (2021). Study on the Influence of Cultural Contact and Tourism Memory on the Intention to Revisit: A Case Study of

- Cultural and Creative Districts. *Sustainability*, 13(4), 2416. <https://doi.org/10.3390/su13042416>
29. Mahanfar, S., Poorzargar, M. and DehbashiSharif, M. . 2023. Explaining the aesthetic patterns used in the design of the facades of Tehran office buildings in the years 1340 to 1390. *Islamic Art Studies*, 20(51), 519-553. doi: 10.22034/ias.2021.269040.1512. [In Persian]
 30. Mehrafza, S., Rezaei, M., & Kamalizade, T. 2023. The explanation of concepts of Sadra's philosophical theory in relation with urban spaces creation (case study: Iranian Bazaar). *Bagh-e Nazar*, 2(122), 67–80. [In Persian]
 31. Momeni, N. 2012. Investigating Sadrae's Views on " the Process of Sensory Perception. *Metaphysics*, (13), 15–30. [In Persian]
 32. Motahhari, M. 1981. *Sharh-e manzumeh* [Commentary on the philosophical poem] (Vol. 1). Hekmat Press. [In Persian]
 33. Motahhari, M. 1990. *Philosophical essays*. Hekmat Press. [In Persian]
 34. Motevali Haghighi, M., Sahaf, K. and Kamalizadeh, T. . 2024. Excellence in Iranian Architecture by Relying on the Transcendent Theosophy (Al-hikmat al-muta'aliyah). The Monthly Scientific Journal of *Bagh-e Nazar*, 20(129), 45-56. doi: 10.22034/bagh.2023.404885.5410. [In Persian]
 35. Naghizadeh, M. 2002. The impact of architecture and the city on cultural values. *Journal of Fine Arts*, 11(11): 62-76. [In Persian]
 36. Noghrekar, A. 2008. *An introduction to Islamic identity in architecture and urban planning*. Ministry of Housing and Urban Development. [In Persian]
 37. Noghrekar, A. 2010. *Theoretical foundations of architecture*. Payame Noor University Press. [In Persian]
 38. Norberg-Schulz, Ch. 2014. *Architecture: meaning and place*. Translated by Vida Norouz Barazjani, 1st Edition, Tehran: Pareham Naghsh. [In Persian]
 39. Oryani Nejad, R., Dejdari, O., & Soroush, M. M. 2021. An analysis of the role of Shiite religion in the formation of decorative symbols of the Safavid period in Isfahan (Case study: Sheikh Lotfollah Mosque and Imam Mosque). *Haft Hesar J Environ Stud*, 10 (37) :65-82. [In Persian]
 40. Pishbin, A. S., Javareshkian, A., & Hosseini Shahrudi, S. M. 2018. The Examination of Three Accounts of Sadra's Theory of How-union of the Intellect and the Intelligible. *Hikmat -e- Islami*, (4), 129–150. [In Persian]
 41. Qi, Y., Fang, X., Gao, T., & Qiu, L. 2021. The effects of artificial lake space on satisfaction and restorativeness of the overall environment and soundscape in Urban parks. *Frontiers in Built Environment*.
 42. Rasouli Pour, S., Youz Bashi, A., Keshtgar Ghasemi, R. and Dastmardi, A. . 2024. A Comparative Comparison of the Architectural Decorations of the Blue Mosque of Yerevan with the Blue Mosque of Tabriz as a Cultural Strategy. *Islamic Art Studies*, 18(44), 204-221. doi: 10.22034/ias.2020.228246.1233. [In Persian]
 43. Sadr al-Din Shirazi, M. I. 1865. *Al-Asfār al-arba'a* [The four journeys] (Vol. 3). [In Arabic]
 44. Sadr al-Din Shirazi, M. I. 1996. *Majmu'e-ye rasā'il-e falsafi-ye Sadr al-Mota'allehin (Risāleh ettehād-e āqel va ma'qul)* [Collection of philosophical treatises of Sadr al-Muta'allihin (Treatise on the union of the intellect and the intelligible)] (H. Naji Esfahani, Ed.). Hekmat Press. [In Persian]
 45. Sadr al-Din Shirazi, M. I. 1999. *Al-Hikmah al-muta'aliyah fī al-asfār al-'aqliyyah al-arba'ah* [The transcendent theosophy in the four intellectual journeys] (Vol. 8). Dar al-Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
 46. Sadra al-Din Shirazi, M. I. 2004b. *Translation of Asfar*. Mohammad Khajavi. Tehran: Mola. [In Persian]
 47. Sahaf, K., Jalaeian Ghane, N., & Jalaeian Ghane, A. 2026. Reinterpreting spirituality in Iranian architecture through Mulla Sadra's transcendent philosophy and the fourfold model of cognition. *Spektrum Iran*, 39(1), 33-75.

48. Salahimehr, F., & Hashempour, P. 2024. The Role of Cultural Capital in Aesthetic Perceptions of Tourists Based on Bourdieu's Theory; A Case Study of the Blue Mosque, Tabriz. *Tourism of Culture*, (19), 44–57. [In Persian]
49. Salari, M. , Masoudi, J. and Hoseini, S. A. 2017. The Identity of Subject and Object from the Viewpoint of Mullā Ṣadrā and Ibn Sīnā. *Essays in Philosophy and Kalam*, 49(1), 53-72. doi: 10.22067/philosophy.v0i0.40762 [In Persian]
50. Shajari M, Salkhi khasraghi S, Asefi M. 2017. Perfection Movement of the Soul of Man in Mosque Space on the Basis of Mulla Sadra's Views Case Study: Tabriz Blue Mosque, *Kimiya -ye-Honar*, 6(22), 75-88. [In Persian]
51. Shajari M, Salkhi khasraghi S, Asefi M. 2018. The levels of perception of fluid space in the Jameh Mosque of Tabriz; With a look at the concept of motion in Mulla Sadra's views. *Contemporary Wisdom*, 9(2), 157–176. [In Persian]
52. Shajari, M. and tabatabai lotfi, Z. S. 2016. Creativity in Architecture Inspired by Transcendent Theosophy. *Contemporary Wisdom*, 7(2), 23-44. [In Persian]
53. Taghdir S. 2021. Rereading of Creation and Perception Process in Architectural Pieces, On the basis of Transcendent Wisdom. *JRIA*. 9(3), 149-170. doi:[10.52547/jria.9.3.8](https://doi.org/10.52547/jria.9.3.8) [In Persian]
54. Taghdir, S. 2019. *Explanation of the levels and process of human perception and its role in the quality of creating architectural works based on the principles of transcendent wisdom*. Proceedings of the 4th International Congress on Islamic Humanities. Tehran: Aftab-e Tose'eh Publications. [In Persian]
55. Tavernier, J. B. 1984. *The travels of Tavernier* (A. Nouri, Trans.). (H. E. Sherani, Ed.). Sanaei Library Press. [In Persian]
56. Xu, L., Zhang, J., & Nie, Z. 2022. Role of Cultural Tendency and Involvement in Heritage Tourism Experience: Developing a Cultural Tourism Tendency–Involvement–Experience (TIE) Model. *Land*, 11(3), 370. <https://doi.org/10.3390/land11030370>
57. youzbashi, A. and Emami Fair, S. N. 2016. Architectural decorations Holy shrine city of Damavand ,Tehran province. (Case Study: Emamzadeh Shamseddin Mohammad (PBUH), Damavand. *Journal of Fine Arts: Visual Arts*, 21(3), 41-52. doi: 10.22059/jfava.2016.59654. [In Persian]
58. Zaka, Y. 1989. *Cities of Iran* (Vol. 3). By M. Y. Kiani. Farhang va Ershad Eslami Press. [In Persian]

The Hierarchies of Heritage Tourism Perception from the Perspective of Mulla Sadra's "Union of the Intellect and the Intelligible": A Case Study of the Blue Mosque of Tabriz

Farzaneh Salahimehr ¹, Parisa Hashempour* ²

1. Ph.D. Student, Islamic Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran, f.salahimehr@tabriziau.ac.ir, +98 9147365126
2. Prof. Architecture and Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran (Corresponding Author), p.hashempour@tabriziau.ac.ir, +98 9143109041

Abstract

Despite the cultural values inherent in heritage architecture, this type of tourism entails more complex levels of perception. The perception of architectural space by tourists corresponds to addressing the needs of different levels of human existence. As part of cultural tourism, it seeks to rediscover the spirit of culture and the worldview of the host society, for which the perspective of the "Union of the Intellect, the Intellecting Subject, and the Intelligible" serves as its theoretical foundation. Therefore, this research examines the gap between the various levels of capacity in Islamic-Iranian architecture and the extent of heritage tourists' perception, based on Mulla Sadra's theory of the "Union of the Intellect and the Intelligible". The research questions are: what are the levels of architectural space perception from this perspective, and to what extent do heritage tourists achieve these levels in the Blue Mosque of Tabriz? The theoretical section employs a systematic literature review with library data collection. Accordingly, the levels of architectural space perception—sensory, imaginary, and intellectual—are explained based on the foundations of the Union theory, including: presential knowledge, unificational composition of matter and form, substantial motion of the soul, substantial occurrence of the soul and its spiritual permanence, and the all-encompassing faculty of the soul. These are presented in a matrix format. The field section uses a survey method with a questionnaire. Findings confirm hierarchical perception in architectural works, progressing through sensory, imaginary, and intellectual levels. At the sensory level, there is a tangible reflection of the building's objectivity; at the imaginary level, an imaginative structure of its essence; and at the intellectual level, awareness of the concepts embedded in the architecture. Lower-level perception is more prevalent among tourists of the Blue Mosque of Tabriz, while higher-level perception is achieved to a lesser extent. Accordingly, a multi-layered experience of cultural heritage is necessary to reduce the gap between seeing and understanding. Such an experience establishes heritage not merely as a visual commodity, but as a living bridge for cultural connection and tourist self-awareness.

Keywords: Perceptual Hierarchies, Heritage Tourism, Union of the Intellect and the Intelligible (Ittihad al-'Aqil wa al-Ma'qil), Mulla Sadra, Blue Mosque of Tabriz

The Hierarchies of Heritage Tourism Perception from the Perspective of Mulla Sadra's "Union of the Intellect and the Intelligible": A Case Study of the Blue Mosque of Tabriz

Extended Abstract

Introduction: Despite the cultural values in heritage architecture, compared to other forms and products of tourism, this type of heritage tourism involves more complex levels and dimensions of perception. Tourists' perception of architectural space corresponds to fulfilling the needs of various human levels. As part of cultural tourism, it seeks to rediscover the spirit of culture and the worldview of the destination society, for which the perspective of the Union of the Intellect, the Intellecting Subject, and the Intelligible serves as its theoretical foundation. According to the theory of the "Union of the Intellect and the Intelligible", perception is not a passive process akin to photography; rather, when a person perceives something, an existential union is established between his essence (the intellecting subject), his perceptual faculty (the intellect), and the perceived form (the intelligible). In simpler terms, what a person perceives becomes part of his existence, and the quality of one's perception of a space depends on that person's existential level. Hence, the problem of this research is to examine the gap between the different levels of capacity of Islamic-Iranian architecture and the extent of heritage tourists' perception, based on Mulla Sadra's theory of the Union of the Intellect and the Intelligible. The research questions are: what are the levels of architectural space perception from the perspective of the Union of the Intellect and the Intelligible, and to what extent do heritage tourists achieve these perceptual levels in the Blue Mosque of Tabriz?

The present research is of a mixed-methods type (qualitative-quantitative) and applied in terms of purpose. In the theoretical section, the method of systematic literature review was used to explain the levels of architectural space perception in three stages—sensory perception, imaginary perception, and intellectual perception—based on the foundations of the Union of the Intellect and the Intelligible, including: knowledge by presence (presential knowledge), unificational composition of matter and form, substantial motion of the soul, substantial occurrence of the soul and its spiritual permanence, and the all-encompassing faculty of the soul, presented in the form of a matrix. In the field section, the research method is survey-based, and data collection is through a questionnaire. The case study is the Blue Mosque of Tabriz. The statistical population consisted of tourists visiting the Blue Mosque, and the sample size was estimated at 60 people using G*Power software, based on Repeated Measures ANOVA (with a medium effect size of 0.25, 95% power, and 0.861 statistical power). The validity of the questionnaire was confirmed using content validity and approval by experts in architecture and urban planning, and its reliability was confirmed with Cronbach's alpha coefficient (0.861). For data analysis, descriptive statistics (mean and standard deviation) and inferential statistics including repeated measures ANOVA, Mauchly's test of sphericity, and pairwise comparisons were used in SPSS software. Additionally, Guttman's scale was used to examine the hierarchical structure of perceptual levels, and the Coefficient of Reproducibility (CR) was calculated.

Results: The findings indicate that the sensory perception level with a mean of 4.117 has the highest score, and the intellectual perception level with a mean of 3.715 has the lowest score; the imaginary perception level with a mean of 3.998 is in the middle range. The differences between the means of these levels are statistically significant ($p < 0.001$), and the Partial Eta

Squared (0.190) indicates that 19% of the variance is related to differences between levels (a large effect size). Pairwise comparisons showed significant differences between each pair of perceptual levels. Furthermore, the Coefficient of Reproducibility (CR) obtained was 0.922, which, being higher than the acceptable criterion of 0.90, confirms the hierarchical structure of the perceptual levels (sensory → imaginary → intellectual) in the collected data. Also, overall, across the three perceptual levels, the epistemological dimension with a mean of 4.1 scored higher compared to the self-cognition (psychological) dimension with a mean of 3.836, and this difference is statistically significant ($p < 0.001$).

Discussion and Conclusion: The findings confirm a hierarchical perception in architectural works, progressing through sensory, imaginary, and intellectual levels based on Mulla Sadra's theory of the Union of the Intellect and the Intelligible. At the sensory level, tangible elements such as tiles, bricks, scale, and the double-domed form provide the most objective cognitive state. At the imaginary level, visual quality of decorations and the sense of mystery form a mental cognitive state, ranking as the second stage. At the intellectual level, comprehending Quranic inscriptions, symbolic colors, and the fundamental reasons for construction represent the deepest cognitive state, requiring greater awareness. In the psychological dimension, at the sensory level, perceiving proportional relationships and structural solidity corresponds to lower soul needs in its material state; however, alterations after the earthquake and restoration may explain tourists' lower psychological scores. At the imaginary level, perceiving unity in multiplicity, uniqueness, and legibility corresponds to intermediate soul needs. At the intellectual level, understanding semantic relationships, memorability, and symbolic signs corresponds to higher soul needs, where reception depends on conscious awareness. Comparing these findings with previous studies, Shajari et al. (2017, 2018) similarly confirmed hierarchical perception in Islamic architecture based on substantial motion. Bani-Asadi Baghmeirani et al. (2022) also supported this model, where the observer experiences visual, physical, and mental movements. While SalahiMehr and Hashempour (2024) also found a hierarchical structure in heritage tourism perception, their framework relies on cultural capital derived from Western theories, whereas the present study grounds perception in the existential preparedness of the tourist's soul rooted in Mulla Sadra's Transcendent Philosophy. Overall, tangible features exert the greatest influence on tourists' perception (sensory), cognitive features exert moderate influence (imaginary), and semiotic features exert the least influence (intellectual). Therefore, the strategic approach emphasizes designing a multi-layered experience of cultural heritage. The initial step involves attracting sensory engagement through restoration. Subsequently, narrative tools such as augmented reality unveil cognitive and imaginative layers. Finally, dialogical spaces and symbolic representations enable comprehension of deeper meanings. This gradual approach reduces the gap between seeing and understanding, establishing heritage as a living bridge for cultural connection and tourist self-awareness.

Keywords: Perceptual Hierarchies, Heritage Tourism, Union of the Intellect and the Intelligible (Ittiḥād al-‘Āqil wa al-Ma‘qūl), Mulla Sadra, Blue Mosque of Tabriz